

مفاهیم مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و امریکا؛ تأثیر و پیامدها برای ایران^۱

علیرضا نوری*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۶

چکیده

هدف این مقاله بررسی ابعاد سیاست‌های مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و امریکا و تحلیل تأثیرات آن‌ها بر منافع و امنیت ایران است. امریکا با تلقی روسیه به عنوان قدرت تجدیدنظرطلبی که موقعیت برتر آن در عرصه بین‌الملل را به چالش می‌کشد، مهار این کشور را با همان ماهیت دوره شوروی با هدف تحدید نفوذ، قبض ژئوپولیتیکی، کاهش وزن استراتژیک و تغییر رفتار آن به راستای منافع خود در دستور دارد. در سوی دیگر، روسیه که در سودای احیاء جایگاه قدرت بزرگ خود است، سیاست مهار را نه تنها تهدید و مانعی برای تحقق این آرمان، بلکه چالشی برای حکومت‌مداری بهینه جهانی نیز می‌داند. واکنش مسکو به راهبرد مهار امریکا بازدارندگی است که متناسب با نوع تهدیدات از نظامی تا اقتصادی و در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در پی تحقق آن است. نوشتار حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تمرکز زمانی بر دوره سوم و چهارم پوتین مهار و بازدارندگی در روابط مسکو و واشنگتن را در چهارچوب نظری همین مفاهیم بررسی و پیامدهای آن‌ها را بر ایران خواهد سنجید. تصریح می‌شود که هرچند در روندهای جدید با متنوع و همزمان شدن تهدیدات و تهدیدگرها کاربست مهار و بازدارندگی با مشکلاتی همراه شده، اما نظر به استمرار رقابت قدرت و حساسیت مفاهیم ژئوپولیتیک و امنیت در روابط روسیه و امریکا این دو راهبرد با پیچیدگی بیشتر استمرار خواهند داشت. در جمع‌بندی تأکید می‌شود که مهار و بازدارندگی در این روابط تبعات متفاوتی برای ایران دارند. مقاومت روسیه در برابر سیاست‌های تهاجمی واشنگتن و تمایل آن به همکاری با ایران به عنوان یک نیروی ضدهژمون از جنبه‌های مثبت و احتمال موضوع شدن تهران در مصالحه امریکا و روسیه در قالب مفاهیمی چون ثبات راهبردی جهت احتراز از هزینه‌های مهار و بازدارندگی از اثرات منفی این دو راهبرد بر منافع و امنیت تهران هستند.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، امریکا، مهار، بازدارندگی، ثبات راهبردی، ژئوپولیتیک، رقابت قدرت.

۱. این مقاله از نتایج اجرای یک طرح پژوهشی، مصوب مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران است، که با حمایت مالی این مرکز اجرا شده است.

۲. استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

* نویسنده مسئول: ar_noori@sbu.ac.ir

مقدمه

مهار و بازدارندگی دو مفهوم به هم مرتبط در تاریخ روابط روسیه و امریکا و ناشی از فهم پیشینی اصل رئالیستی بازی صفر قدرت هستند که در دوره شوروی و پسا شوروی در مصادیقی چون جنگ سرد، جنگ یوگسلاوی، جنگ گرجستان، گسترش ناتو، سپر ضد موشکی، بحران اوکراین، الحاق کریمه، جنگ سوریه، تحریم و جنگ اطلاعاتی این روابط را متأثر کرده‌اند. این مفاهیم در اسناد بالادستی و اظهارات مقامات طرفین نیز انعکاس پررنگی داشته‌اند. تأکیدات مکرر سند راهبرد امنیت ملی امریکا (دسامبر ۲۰۱۷) بر تهدید بودگی روسیه نشان از اهمیت مهار این کشور دارد. همچنین روسیه از نیروهایی است که در بروز یا تشدید تهدیدات اشاره شده در سند «وضعیت دفاع و بازدارندگی» ناتو (۲۰۱۲) از جمله تهدیدات سایبری، امنیت انرژی، توانمندی‌های جدید نظامی و سلاح‌های کشتار جمعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم دخیل است. در مقابل، بازدارندگی در برابر تهدید امریکا و ناتو برای روسیه به قدری عینی است که این کشور ساختار نظامی خود را مبتنی بر این تهدید تنظیم و تقویت می‌کند.

مهار و بازدارندگی در خلأ تعریف نشده و وضعیت بین‌الملل و مؤلفه‌هایی چون موازنه قوا، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و وضع امنیت و ژئوپولیتیک در چگونگی آن‌ها تأثیر دارند. به تبع پویایی این متغیرها، مهار و بازدارندگی نیز پویا بوده و در وضعیت‌های مختلف به اشکال متفاوتی در روابط و رفتارهای روسیه و امریکا بروز یافته‌اند. به عنوان مثال، در دهه ۱۹۹۰ به دلیل ضعف روسیه و دوره اوباما به دلیل پروژه «ری‌ست» مهار حداقلی، اما در دوره بوش و تا حدودی دوره ترامپ به دلیل فرض تجدیدنظرطلبی روسیه بر مهار گسترده‌تر این کشور تأکید شده است. در مقابل، هرچند در دوره یلتسین و مدویدیف به تبع دیدگاه‌های غربگرای آن‌ها از تأکید بر بازدارندگی کاسته شد، اما در دوره پوتین بازدارندگی فعال مورد تأکید قرار گرفته است. گرچه دو طرف در مقاطع مختلف برای متوقف کردن روند پرهزینه مهار و بازدارندگی به توافقاتی از جمله در زمینه کنترل تسلیحات دست یافته‌اند، اما بن‌مایه‌های رئالیستی امنیت، ژئوپولیتیک، رقابت قدرت و فرهنگ راهبردی باعث ماندگاری این دو مفهوم شده است.

در شرایط حاضر، این دو راهبرد در حوزه‌های جغرافیایی و موضوعی مختلف از اوراسیای مرکزی تا اروپای شرقی و خاورمیانه و از سیاست تا ژئوپولیتک، نظامی، اقتصادی، سایبری و اطلاعاتی در جریان هستند و افزون بر بُعد یک‌جانبه یعنی اقدامات منفردانه آمریکا برای مهار یا روسیه برای بازدارندگی، به شکل چندجانبه در قالب ائتلاف‌سازی، نهادسازی و شبکه‌سازی نیز عملیاتی می‌شوند. به سبب تفاوت سطح قدرت، مهار و بازدارندگی آمریکا علیه روسیه بیشتر توسعه‌طلبانه-تهاجمی و بازدارندگی روسیه علیه آمریکا بیشتر دفاعی بوده است. در عین حال، مسکو در روندهای جدید بر آن شده تا در کنار ابعاد سلبی از مزیت‌های ایجابی بازدارندگی نیز بهره‌گیرد. مخالفت صریح‌تر با یکجانبه‌گرایی آمریکا، مقاومت بیشتر در برابر مداخله‌گری‌هایی بی‌ثبات‌ساز آن در مناطق مختلف از «سی‌آی‌اس» تا خاورمیانه و در مقابل، معرفی خود به‌عنوان وزنه تعادل آمریکا و بازیگر ثبات‌ساز در سوریه، افغانستان، عراق، لیبی و ونزوئلا در این راستا است. هرچند کرملین از درافتادن به مسابقه تسلیحاتی برای موازنه گسترده با آمریکا احتراز دارد، اما تقویت توان بازدارنده خود در شرایط اصرار واشنگتن به مهار خود را غیرقابل‌اغماض می‌داند. از نگاه مسکو، در پویای‌های فعلی بین‌المللی، عدم بازدارندگی مؤثر مصادف با تشدید فشار سیاست مهار و محدود شدن بیشتر قدرت مانور روسیه در برابر آمریکا در حوزه‌ها و جغرافیاهای مختلف است.

در این بین، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، تغییر شرایط داخلی، تحول در منابع و توانمندی‌ها، تغییر جایگاه‌ها در عرصه بین‌الملل و تغییر وضعیت شرکاء و متحدین روسیه و آمریکا باعث پیچیدگی بیشتر مهار و بازدارندگی شده است. علاوه بر این، در شرایط گذار نظم‌های بین‌الملل و منطقه‌ای به وضعیت‌های جدید، تلاش آمریکا برای ممانعت از تضعیف بیشتر هژمونی خود و مساعی روسیه برای احیاء جایگاه قدرت بزرگ خود بر این پیچیدگی می‌افزاید. رویکرد طرفین به صفر بودگی این معادله یعنی برد یک طرف معادل باخت دیگری سبب تشدید وضعیت خواهد بود. در این شرایط پویا، نوع فهم و اجرای مهار و بازدارندگی نه تنها روابط مسکو و آمریکا، بلکه رفتار و روابط آن‌ها با سایر مناطق، سازمان‌ها و کشورها از جمله ایران را به صورت مثبت یا منفی زیر تأثیر قرار می‌دهد.

بر این اساس، سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که ماهیت و ابعاد اصلی راهبرد مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و امریکا چیست و این دو راهبرد چه تأثیراتی بر امنیت و منافع ایران دارند؟ فرضیه اصلی این است که امریکا مهار روسیه را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زیرموضوعات مختلف سیاسی، ژئوپولیتکی، نظامی و اقتصادی به صورت مستقیم و گسترده با هدف تحدید و تعریف روسیه در مرزهای مورد نظر خود در دستور دارد و در مقابل، روسیه بازدارندگی فعال و جامع را متناسب با تهدیدات لازمه‌ای برای تأمین امنیت و منافع به‌ویژه احیاء جایگاه قدرت بزرگ خود و مهار یکجانبه‌گرایی امریکا می‌داند. در این بین، تشابه ماهوی راهبرد مهار امریکا علیه ایران و روسیه از یک سو و رویکرد ضدهژمونی دو کشور از سوی دیگر، زمینه مثبتی را برای همکاری تهران و مسکو جهت بازدارندگی مشترک ایجاد می‌کند و در مقابل، احتمال توافق مسکو و واشنگتن برای کاهش هزینه‌های مهار و بازدارندگی می‌تواند با مصالحه‌هایی از جمله در موضوع ایران همراه باشد که پیامد منفی برای تهران در پی خواهد داشت. متن حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر دوره سوم و چهارم پوتین سؤال و فرضیه مطرح شده را مورد بررسی قرار می‌دهد.^۱

چهارچوب مفهومی

رقابت قدرت، سهم قدرت و مدیریت قدرت مفاهیم بنیادی در تاریخ و سیاست بین‌الملل هستند و بازیگران مختلف این عرصه با استفاده از سازوکارهایی از دیپلماسی و صلح تا تهدید و جنگ درصدد تقویت موقعیت خود و کاهش مزایای حریف در این مفاهیم بوده‌اند. مهار و بازدارندگی راهبردهایی مرتبط با این مفاهیم و سازوکارهایی برای مدیریت قدرت، امنیت و جنگ هستند. این راهبردها مبتنی بر مبانی رئالیسم از جمله عقلانیت (محاسبه سود و هزینه)، قدرت (اصل تعیین‌کننده روابط)، امنیت (موضوع اولویت‌دار)، اهمیت توان نظامی، بی‌اعتمادی، آناشسی و خودیابوری بوده و ارتباط نزدیکی با دیگر مفاهیم رئالیستی چون موازنه قوا، موازنه ترس و موازنه تهدید دارند.

۱. در نوشتار حاضر تمرکز بر ابعاد اصلی‌تر مهار و بازدارندگی است، لذا از اشاره به حوزه‌هایی چون سایبری و اطلاعاتی-رسانه‌ای صرفه‌نظر شده است.

مهار، سیاستی تهاجمی برای تعریف محدوده برای حریف در مرزهای مشخص (جغرافیایی، توان نظامی، ژئوپولیتیکی و ...)، منزوی کردن، کاهش توانمندی‌ها و در صورت نیاز فروپاشی آن از درون از طریق تهدید و اجبار است. برخلاف بازدارندگی که بیشتر از سوی قدرت‌های هم‌سان علیه هم یا قدرت کوچک‌تر علیه تهدید دولت بزرگ‌تر اعمال می‌شود، مهار سیاستی بیشتر از سوی یک قدرت بزرگ علیه قدرت بزرگ دیگر یا کوچک‌تر است، به نحوی که امکان تهدید علیه منافع اصلی و حیاتی آن را نداشته باشد. بر این اساس، مهار با رویکردی تهاجمی باعث ترس می‌شود و اصل ضربه پیشگیرانه است (Иванов, 2018: 14). لذا بر تقویت توان ضربه اول و بازداشتن حریف از اقدام به ضربه دوم تأکید دارد.

راهبرد مهار در تاریخ بین‌الملل در دکترین مونرئو (۱۸۲۳) و تأکید آمریکا بر مقابله با تلاش کشورهای اروپایی برای تقویت خود در نیمکره غربی، در نیمه دوم قرن ۱۹ از سوی آلمان دوره بیسمارک در رابطه با فرانسه از طریق دخالت در امور داخلی همسایگان آن (بلژیک، اسپانیا و ایتالیا)، در ابتدای قرن ۲۰ از سوی دولت‌های اروپایی علیه انقلاب بلشویکی و تلاش بلشویک‌ها برای «صدور انقلاب» و در دهه ۱۹۳۰ از سوی دولت‌های اروپایی برای مهار آلمان نازی بکار بسته شده است. اما مهم‌ترین نمونه کاریست راهبرد مهار از سوی آمریکا علیه کمونیسم است که بر پایه اندیشه‌های جورج کنان ابتدا در قالب دکترین ترومن اجرایی شد. هدف این راهبرد حفاظت از منافع آمریکا در مقابل تلاش فزاینده شوروی برای تقویت نفوذ در اروپای شرقی، آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین بود و خلال جنگ سرد به عنصری مهم از روابط دو طرف تبدیل شد. کنان در مقاله معروف خود زیر عنوان «ریشه‌های رفتار شوروی» (۱۹۴۷) با تأکید بر اینکه این کشور ذاتاً توسعه‌طلب است، تأکید کرد نفوذ آن در مناطق راهبردی برای آمریکا باید محدود شود (Kennan, 1947: 576).

مهار کمونیسم با سازوکارهای مختلف از جنگ نیابتی (جنگ کره) تا حمایت‌های اقتصادی و سیاسی انجام پذیرفت و رژیم‌ها و سازمان‌های مختلفی در طول جنگ سرد از جمله طرح مارشال و پیمان‌های ناتو، سیتو و سنتو برای تحقق آن ایجاد شدند (Powell, 2017: 8). از نظر کنان سیاست مهار باید با فشار بی‌امان برای رسیدن به

اهداف همراه بوده، بلندمدت، صبورانه و نامنعطف باشد. هرچند او بر کاربست سیاست مهار از طریق اهرم‌های سیاسی و اقتصادی تأکید داشت و آن را بخشی از دیپلماسی می‌دانست (Ivanov, 2018: 15)، اما دولت‌ها از جمله آمریکا در کنار این دو اهرم، استفاده از ابزارهای نظامی، جاسوسی، خرابکارانه و اطلاعات-تبلیغاتی را نیز در دستور داشته‌اند.

در سوی دیگر، بازدارندگی واکنش «متناسب» به یک تهدید و مترتب بر استفاده یک طرف از مجموعه‌ای از تهدیدها برای قانع کردن طرف دیگر به عدم انجام اقدام تهاجمی تهدیدزا است. بازدارندگی سه کارکرد دارد؛ ۱) ممانعت از اقدام تهدیدزای حریف، ۲) ممانعت از بروز تنش و جنگ و ۳) ایجاد بستر برای گفتگو و مصالحه در مورد خط قرمزها (Platte and Robinson, 2018: 68). برخلاف مهار که بر تقویت توان ضربه اول تأکید دارد، بازدارندگی اساساً راهبردی مترتب بر تقویت توان اقدام متقابل از طریق ضربه دوم است. بازدارندگی از ریشه کلمه‌ای لاتین به معنی ترساندن است که می‌تواند ترساندن حریف از تنبیه یا محروم کردن آن از مزیتی خاص باشد (Ivanov, 2018: 15). بازدارندگی در تاریخ اخیر، پس از آغاز جنگ سرد به‌ویژه با تولید سلاح‌های اتمی جایگاهی مهم در سیاست و امنیت بین‌الملل یافت و تأکید دارد سلاح اتمی به علت قدرت تخریب بالا می‌تواند از حمله نظامی حریف جلوگیری کند. این مفهوم با تأکید بر اصالت قدرت کاربست آن را عامل برقراری صلح و احتراز از جنگ می‌داند.

«برنارد برودی»، نظریه‌پرداز بازدارندگی این مفهوم را در ارتباط نزدیک با حوزه نظامی می‌داند. او تأکید دارد، تهدید اعلام شده در بازدارندگی باید مؤثر، شفاف و قاطع باشد و به حریف اطمینان دهد که هزینه‌های اقدام تهاجمی بیش از منافع آن است. به باور وی، یک کشور برای بازدارندگی مؤثر باید از داشتن توان ضربه دوم برای تضمین بقای خود و شکست حریف اطمینان داشته باشد (Brodie, 1958: 5). از دیگر نظریه‌پردازانی که به مفهوم بازدارندگی پرداخته‌اند می‌توان به توماس شیلینگ، هدلی بال و هنری کسینجر اشاره کرد که بعضاً بازدارندگی را برای تعدیل نظریه موازنه قوا به‌ویژه در وضعیت‌های نابرابر استفاده کرده‌اند. توماس شیلینگ راهبرد نظامی را نه علم پیروزی نظامی، بلکه هنر اجبار، ترساندن و بازدارندگی می‌دانست (Schelling, 1966: 33). از

نظریه پردازان جدیدتری که در کنار مؤلفه نظامی بر سایر ابزارها تأکید دارند می‌توان به روست، کویستر، ویتنگ و جرویس اشاره کرد. از دید این عده، بازدارندگی تنها نظامی نیست و اگر یک کشور در پاسخ به تهدید نظامی عقب‌نشینی‌های زیادی در سایر حوزه‌ها برای ممانعت از جنگ بکند، بازدارندگی موفق انجام نداده است (Huth, 1999: 27).

قابلیت (وجود توانایی قابل اتکاء برای ممانعت از تهاجم)، اعتبار (پذیرش وجود توانایی مؤثر در کشور بازدارنده از سوی مهاجم)، ثبات (مداوم بودن توان کنش و واکنش) و ارتباط (وجود گفتگوی صریح و ضمنی میان کشور بازدارنده و مهاجم در مورد قابلیت و اعتبار) از بایسته‌های بازدارندگی هستند (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۴: ۲۳۱) که در مورد راهبرد مهار (با رویکرد تهاجمی) نیز قابل اطلاق می‌باشند. این دو راهبرد هم در مقابل نیت‌ها و هم اقدامات طراحی می‌شوند و در سطوح مختلف از حداقلی تا نابودی گسترده متقابل با استفاده از ابزارهای مختلف اجبار از اتمی تا متعارف قابل اعمال هستند. بازدارندگی بر ایده آسیب‌پذیری حتمی مبتنی شده و به طرف مقابل این اطمینان داده می‌شود که طرف اول قادر به اعمال ضربه جبران‌ناپذیر است. در راهبرد مهار آسیب‌پذیری از یک طرف به طرف دیگر و در بازدارندگی آسیب‌پذیری حتمی متقابل مورد تأکید قرار می‌گیرد (Ivanov, 2018: 17).

به لحاظ نظری، بازدارندگی (و مهار) به انواع مختلف تقسیم و بنا به شرایط بکار بسته می‌شود؛ هسته‌ای (با اتکاء به سلاح و دفاع اتمی)، متعارف (با اتکاء به سلاح و دفاع متعارف)، مستقیم و متقابل (علیه حریفی مشخص)، یکجانبه و گسترده (بازداشتن حریف از حمله به متحدین و تغییر نظم مطلوب)، غیرمستقیم (تهدید و فشار بر متحدین و شرکاء حریف)، شبکه‌ای (تهدید و فشار در شبکه‌ای از موضوعات به هم مرتبط امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و ...) و موضوعی (سیاسی، اقتصادی، نظامی و ...). بازدارندگی به لحاظ کیفی نیز به اقسام مختلفی از جمله تهاجمی، دفاعی، اطمینان‌ساز (اقناع حریف با ابزار غیرنظامی به عدم اقدام تهاجمی) و سازش و مصالحه (مثلاً توافق بر سر پیمان‌های تسلیحاتی) تقسیم می‌شود (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶-۱۴).

در مهار و بازدارندگی جامع ترکیبی از این انواع به صورت همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد. تأکید بر رویکرد جامع به تبع تغییراتی است که در نظم بین‌الملل و اجزاء آن از ساختار تا قواعد، کارگزاران و روندها از گونه ساده به پیچیده رخ داده است. به طور خاص، تغییر مفاهیم امنیت، تهدید و جنگ، تحول در تکنولوژی‌های نظامی و تولید سلاح‌های دقیق موشکی، تقویت وابستگی و آسیب‌پذیری متقابل، تضعیف رژیم‌های ثبات‌ساز و امنیت‌ساز بین‌المللی و منطقه‌ای، تحول در صف‌بندی‌ها و ائتلاف‌ها، کاهش کارآمدی ابزار نظامی و افزایش تأثیرمندی سایر ابزارها از جمله اقتصاد تأثیرات ملموسی بر تحول مفاهیم مهار و بازدارندگی داشته‌اند.

در این بین، مهم‌ترین مسئله همزمان و متنوع شدن تهدیدها و تهدیدگرها به‌ویژه در جنگ‌ها و بحران‌های هیبریدی در ترکیبی از موضوعات از اقتصاد تا سیاست، انرژی، امنیت و محیط‌زیست و مکان‌ها از زمین تا آسمان، فضا، دریا، زیردریا و سایبر است. بر این اساس، مهار و بازدارندگی از نوع مستقیم و نظامی سنتی به انواع غیرمستقیم، پیچیده، چندجانبه، شبکه‌ای و جامع تحول یافته‌اند. مهار و بازدارندگی جدید بیش از گذشته نامتوازن و نامتقارن هستند، به این معنا که مهار نظامی می‌تواند با بازدارندگی اقتصادی پاسخ داده شود و بالعکس. در فضای جدید، به‌رغم حفظ هسته نظامی این دو راهبرد، منابع و ابزارهای تحقق آن‌ها کاملاً متنوع شده و برخلاف گذشته که بیشتر بر ظرفیت‌های خودیاور تأکید می‌شد، اکنون بدون محورسازی و ائتلاف‌سازی خارجی به نحو مطلوب قابل اجرا نیستند. برخی دولت‌ها نیز در مفهوم برون‌سپاری از منابع، انرژی و هزینه طرف سوم برای اعمال مؤثرتر مهار و بازدارندگی استفاده می‌کنند.

مقایسه بازدارندگی (و مهار) کلاسیک و جامع (Zagare, 2004: 117)		
مفروضات	کلاسیک	جامع
بازیگران	دشمنانه	دشمنانه
دولت‌ها	همسان	می‌توانند متفاوت باشند
عقلانیت روندی	گاهاً	نه حتماً
عقلانیت ابزاری	گاهاً	همیشه
جنگ تمام عیار	همیشه متقابل	می‌تواند متقابل باشد

ثبات راهبردی	مفروض	مفهومی/برداشتی
تهدیدات نامعتبر	ممکن است انجام شود	اصلاً انجام نمی‌شود
اعتبار (تهدید)	پایدار	نه ضرورتاً پایدار
ملاحظات و منافع	تعریف عینی	تعریف ذهنی
گزاره‌ها		
حفظ وضع موجود	غیرمهم/قابل نادیده گرفتن	مهم
بازدارندگی راهبردی	پایدار و مطمئن	شککننده و مشروط
رابطه بین هزینه تقابل و موفقیت بازدارندگی	کاملاً مثبت و مستقیم	غیرمستقیم
روابط قدرت نامتقارن	ناپایدار	بالقوه خیلی پایدار
روابط برابر	خیلی پایدار	بالقوه ناپایدار
توانمندی	کافی، برای بازدارندگی موفق	لازم، اما ناکافی برای بازدارندگی موفق
چرخه تنش‌های محدود	غیرقابل توضیح	به لحاظ تنوریک قابل توضیح
سیاست‌ها		
توانایی نابودی	حامی	مخالف
بازدارندگی حداقلی	مخالف	حامی
کاهش قابل ملاحظه تسلیحات	مخالف	حامی
اشاعه سلاح‌های هسته‌ای	حامی	مخالف
موضع گفتگو	اجباری، مبتنی بر هزینه‌های فزاینده جنگ و تاکتیک‌های غیرمنعطف چانه‌زنی	همکاری جویانه مشروط مبتنی بر اقدام متقابل

در شرایط جدید، بازدارندگی اتمی نیز نمی‌تواند جامع باشد، چرا که یک کشور بعد از کاربست بمب اتم نیز نمی‌تواند امنیت و موجودیت خود را تضمین شده بداند. لذا، نگاه جامع به مهار و بازدارندگی در سطوح، فضاهای موضوعی و مکانی مختلف و به لحاظ رویکردی هم دفاعی و هم تهاجمی ضرورت دارد. با توجه به گذار نظم بین‌الملل

به نظم جدید که با تشدید اختلاف قدرت‌های بزرگ در مورد چپستی نظم جدید، جایگاه، نقش، توزیع و موازنه قدرت و سهم منافع همراه خواهد بود، می‌توان شاهد جلوه‌های پیچیده‌تری از مهار و بازدارندگی بود. اما به تبع تقویت وابستگی و آسیب‌پذیری متقابل، این قدرت‌ها برای فرار از هزینه‌های مهار و بازدارندگی از یک سو و مزایای تعامل از سوی دیگر، چه به انتخاب یا اجبار به مصالحه متمایل می‌شوند. ثبات راهبردی از مفاهیمی است که می‌تواند زمینه‌ای برای توافق جهت کاهش هزینه‌ها و در سطح کلان برای مدیریت اشتراکی امور بین‌الملل باشد.

امریکا و اصل مهار روسیه

نظام بین‌الملل بعد از فروپاشی شوروی با تغییراتی در توزیع قدرت، جایگاه کارگزاران اصلی و روندهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ژئوپولیتیکی مواجه و امریکا در قالب الگوی نظم هژمونیک به قدرت برتر نظم جدید تبدیل شد. مزایای ناشی از این موقعیت، امریکا را به تلاش‌های متنوع برای حفظ آن واداشته است. ایجاد شبکه‌ای از نهادها و رژیم‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی چندجانبه زیر کنترل خود و کاربست گسترده راهبرد مهار علیه نیروهای ضدهژمون از جمله این تلاش‌ها است. هدف این سیاست برتری طلبانه تعریف، تغییر و سمت‌دهی دولت‌ها، مناطق و روندهای ناهم‌سو به راستای مطلوب و اشنگتن است. روسیه یکی از اهداف اصلی این سیاست بوده است. امریکا در دوره جنگ سرد با توجه به توان موازنه‌گرانه شوروی سیاست مهار و بازدارندگی را توأمان در مورد مسکو در دستور داشت، اما بعد از فروپاشی تا ابتدای دهه ۲۰۱۰ به دلیل از بین رفتن توانمندی‌های عمده این رقیب و عدم کفایت توان روسیه برای چالشگری جدی برای موقعیت برتر امریکا، مفاهیم مهار و بازدارندگی در قبال مسکو کم‌اهمیت شدند.

در سال‌های اخیر، تضعیف هژمونی امریکا از یک سو و احیاء روسیه در عرصه داخل و خارج در سوی دیگر که با مقاومت بیشتر آن در برابر یکجانبه‌گرایی امریکا، مداخلات نظامی در گرجستان، اوکراین و سوریه، تقویت نهادهای روس‌محور در «سی‌آی‌اس»، معرفی خود به‌عنوان وزنه تعادل امریکا، سهم‌خواهی از حکومت‌مداری

جهانی، تلاش برای تأثیرگذاری بر روندهای امنیتی، سیاسی و امنیتی اروپا، تلاش برای ایجاد شکاف میان آمریکا و متحدان آن، تلاش برای هماهنگی و ائتلاف/محورسازی با نیروهای ضدژنومون چون چین و ایران و مقاومت در برابر فشارهای بی‌ثبات‌ساز آمریکا در سوریه و ونزوئلا همراه شده، بحث مهار (جدید) مسکو را به موضوعی جدی برای آمریکا بدل کرده است.

گرچه کرملین اقدامات بازگفته را واکنشی به سیاست تهاجمی آمریکا و تلاشی طبیعی برای بازیافت موقعیت قدرت بزرگ خود می‌داند، اما واشنگتن با تلقی این رفتارها به اقدامات تهاجمی، توسعه‌طلبانه، تجدیدنظرطلبانه و تلاشی برای احیاء شوروی سابق بر ضرورت مهار روسیه و ممانعت از اخلاص آن بر موقعیت برتر خود تأکید دارد. از دید آمریکا، مساعی مسکو برای توسعه نفوذ به «سی‌آی‌اس» ختم نشده و در سایر مناطق از جمله اوراسیای بزرگ، اروپای شرقی و خاورمیانه نیز جریان دارد. بر این اساس، در صفحات مختلف سند امنیت ملی آمریکا (دسامبر ۲۰۱۷)، روسیه تهدید فرض و به صورت ضمنی و آشکار بر مهار آن تأکید شده است؛

- روسیه (و چین) با تلاش برای خدشه به امنیت و موفقیت‌های آمریکا قدرت، نفوذ و منافع آن را به چالش می‌کشد (ص ۲).
- روسیه (و چین) سلاح‌ها و توانمندی‌های نظامی پیشرفته خود که می‌توانند تهدیدی برای زیرساخت‌های مهم و ساختار کنترل و فرماندهی آمریکا باشند، را توسعه می‌دهد (ص ۸).
- روسیه (و چین) قدرت تجدیدنظرطلبی است که فعالانه در حال تقابل با آمریکا و متحدان آن برای تغییر موازنه‌های منطقه‌ای به نفع خود است (ص ۲۵).
- روسیه (و چین) به دنبال شکل دادن به جهانی ضد ارزش‌ها و منافع آمریکا است (ص ۲۵).
- روسیه به دنبال احیاء موقعیت قدرت بزرگ و ایجاد حوزه‌های نفوذ در نزدیکی مرزهای خود است (ص ۲۵).
- روسیه (و چین) در حال بازیافت نفوذ منطقه‌ای و جهانی خود است، مزیت‌های ژئوپولتیکی آمریکا را به چالش می‌کشد و تلاش می‌کند نظم بین‌الملل را به نفع خود تغییر دهد (ص ۲۶-۲۷).

- روسیه به دنبال تضعیف نفوذ امریکا در جهان و ایجاد تفرقه میان امریکا و متحدان و شرکاء آن است. روسیه در حال سرمایه‌گذاری برای تقویت توانمندی‌های اتمی است که تهدیدی وجودی برای امریکا محسوب می‌شوند. روسیه همچنین در حال تقویت توانمندی‌های سایبری مخرب است و در امور داخلی کشورها مختلف دخالت می‌کند (ص ۲۶-۲۵).

- روسیه (و چین) با سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه به دنبال توسعه نفوذ و دستیابی به مزیت‌های رقابتی در برابر امریکا است (ص ۳۸).

- روسیه با به‌کارگیری ابزارهای مخرب به دنبال تضعیف اعتبار و وفاداری امریکا به تعهدات خود در اروپا، تضعیف اتحاد فراتلانتیکی و تضعیف نهادها و دولت‌های اروپایی است (The National Security ..., 2017: 47).

راهبردها و سیاست‌های مختلفی در امریکا برای مهار روسیه (شوروی) مطرح شده است. تندروها کاربست فشار و زور را راهکار اصلی می‌دانسته‌اند. در مقابل، میانه‌روها بر آن بوده‌اند که با بازی دادن به روسیه و وارد کردن آن به شبکه رژیم‌ها و ساختارهای امریکامحور بهتر می‌توان این کشور را نسبت به اینکه بیرون بازی باشد و در روندها اختلال نماید مهار کرد. در دهه ۱۹۹۰ و در دوره «ریست» (۲۰۰۸-۲۰۱۲) دیدگاه دوم تجربه شد. پذیرش روسیه در گروه هفت (در سال ۱۹۹۸)، تقویت شورای روسیه و ناتو، توسعه همکاری‌های اقتصادی با مسکو، انعقاد پیمان‌های کنترل تسلیحات (استارت) و دخیل کردن مسکو در حل و فصل مسائل بین‌المللی از جمله پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی در راستای این دیدگاه بودند. به‌رغم موفقیت نسبی و مقطعی این رویکرد، رقابت و اختلاف بر سر قدرت، ژئوپولیتیک، امنیت و میزان سهم از حکومت‌مداری جهانی باعث عدم موفقیت کلی آن شده است. لذا، در بسیاری از مقاطع دوره شوروی و پساشوروی تأکید بر مهار سخت روسیه بر بعد نرم این راهبرد غلبه داشته و در عین حال، بر ضرورت توجه به هر دو بُعد تأکید شده است.

جوزف نای بر این تأکید است که غرب باید با اعمال فشارهای مختلف علیه روسیه رفتارهای آن را به چهارچوب مورد نظر خود هدایت و از رفتارهای مغایر از جمله دخالت مسکو در اوکراین ممانعت کند. این سیاست نباید به ضرورت همکاری با روسیه در دیگر مسائل آسیب بزند. طراحی و پیاده‌سازی راهبردی که رفتارهای پوتین را مهار

کند و در عین حال ضامن تعامل طولانی مدت با روسیه باشد یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی جامعه جهانی است (Nye, 2014). هدف نهایی مهار دوگانه روسیه کاهش اهمیت، توان و نفوذ راهبردی آن در عرصه بین‌الملل و ممانعت از تبدیل این کشور به قدرت بزرگی است که بتواند روندها و ساختار نظم بین‌المللی که امریکا در آن برتری دارد را به چالش بکشد. تأکید بر (نو) مهار روسیه واکنشی به احساس تهدید از این ناحیه است. توماس گراهام در توصیه به واشنگتن برای مهار روسیه تصریح دارد که این راهبرد باید در سه دورنما اجرایی شود؛

- ۱) کوتاه‌مدت؛ گوشزد کردن هزینه‌های توسعه‌طلبی و اخلال در منافع امریکا
- ۲) میان‌مدت؛ تضعیف توانمندی‌ها و کاستن از گزینه‌ها و قدرت مانور روسیه
- ۳) بلندمدت؛ اخلال در امور داخلی روسیه با هدف تغییر رفتار یا نظام در کرملین (Graham, 2014).

بر این اساس، راهبرد مهار روسیه در حوزه‌های موضوعی مختلف از سیاسی تا اقتصادی، ژئوپولیتیکی، نظامی و اطلاعاتی به صورت یک و چندجانبه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در جریان است؛

سطح داخلی؛

- اعمال فشارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اطلاعاتی و تلاش برای تغییر رفتار یا نظام در روسیه؛ این رویکرد با تاکتیک‌های مختلف از جمله تحریم اقتصادی، تلاش برای انزوای سیاسی، بیرون‌گذاری از روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد مشکلات داخلی امنیتی از طریق تحریک جدایی‌طلبی، انتقاد از وضع دموکراسی و حقوق بشر، تخریب و اعتمادزدایی از پوتین و سیاست‌مداران کرملین، تحریک اعتراضات داخلی و انقلاب رنگی در دستور واشنگتن بوده است.

- تضعیف توانمندی‌های روسیه؛ یکی از اهرم‌های مهم سال‌های اخیر واشنگتن برای مهار مسکو استفاده از حربه تحریم و تلاش برای تضعیف روسیه در این زمینه است. واشنگتن با این ایده که تحریم می‌تواند دسترسی روسیه به منابع مالی لازم برای تحرک اقتصادی، پشتوانه‌سازی برای توسعه نظامی و سیاست خارجی را تضعیف و اجماع و وحدت داخلی را با چالش مواجه کند، بر توسعه دامنه تحریم‌های این کشور تأکید داشته است. تلاش برای تضعیف چهره و جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل از جمله با اخراج

و کاهش حضور آن در سازمان‌ها و روندهای بین‌المللی از جمله «گروه هفت» و شورای روسیه و ناتو از دیگر تلاش‌های واشنگتن در این زمینه بوده است.

سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛

- تقویت نظامی و در نزدیکی مرزهای روسیه؛ به‌رغم کاهش اهمیت عنصر نظامی در معادلات بین‌المللی، این مؤلفه چه اتمی یا متعارف از مولفه‌های اصلی مهار روسیه بوده است. امریکا اجرای این سیاست را از طریق توسعه حضور و زیرساخت‌های نظامی در نزدیکی مرزهای روسیه و در مقابل، تضعیف توان و حضور نظامی این کشور در مناطق همجوار آن در دستور دارد. حساسیت واشنگتن در این باب با تقویت تسلیحات پیشرفته اتمی و متعارف روسیه و اقدامات نظامی آن در گرجستان، اوکراین و سوریه افزایش یافته است. قابل تأمل اینکه هرچند از دهه ۱۹۸۰ اهداف هسته‌ای امریکا در روسیه کاهش یافته، اما همچنان حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد این اهداف در خاک این کشور قرار دارند (Фенченко, 2009: 86) و روسیه تنها کشوری است که توان هم‌وردی نظامی با امریکا را دارد. برنامه‌های امریکا برای بازسازی و نوسازی نظامی در دوره ترامپ سوگیری برای تقویت توان مهار روسیه را نیز دارد. در صفحه ۳۰ سند امنیت ملی امریکا (دسامبر ۲۰۱۷) با اشاره به این‌که این کشور بازدارندگی اتمی خود را به سرزمین ۳۰ متحد و شریک خود توسعه داده، تأکید شده بازدارندگی اتمی همچنان در مقابل حملات اتمی، حملات راهبردی غیراتمی و تهاجم‌های وسیع متعارف کارآمد است. در این سند با اشاره به روسیه و این‌که دشمنان امریکا توان اتمی خود را توسعه داده‌اند، بر سرمایه‌گذاری برای به‌روزرسانی توانمندی‌های اتمی امریکا تأکید دارد. به لحاظ منطقه‌ای، امریکا بازدارندگی نظامی علیه روسیه را علاوه بر اروپای شرقی در حوزه بالتیک، دریای سیاه و قطب شمال نیز دنبال می‌کند و در این راستا، به دنبال تقویت همکاری نظامی نه تنها با اعضاء ناتو، بلکه با کشورهای غیرعضو از جمله فنلاند و سوئد در نزدیکی مرزهای روسیه نیز می‌باشد (Нестеров, 2018: 47). هم‌زمان، اختلال در روابط نظامی مسکو با کشورهای پیرامونی آن از جمله در آسیای مرکزی در قالب پیشنهاد متقابل همکاری با این کشورها یا اختلال در تعاملات فنی-تسلیحاتی مسکو با تهران، آنکارا و قاهره نیز در دستور واشنگتن است.

- تلاش برای بسط نفوذ خود و قبض روسیه در مناطق پیرامونی آن؛ تلاش امریکا برای توسعه نفوذ سیاسی، نظامی، اقتصادی، امنیتی و ژئوپولتیکی در «سی‌آی‌اس»، خاورمیانه و اروپا و در مقابل قبض و سد نفوذ مسکو در این مناطق از عناصر مهم مهار روسیه است. این سیاست از طریق تلاش مستمر برای نفوذگذاری بر معادلات و ترتیبات این مناطق و در مقابل، تلاش برای بیرون‌گذاری روسیه از این معادلات پیگیری می‌شود. نمود این رویکرد از حوزه بالکان در جنگ یوگسلاوی و استقلال کوزوو، تا انقلاب‌های رنگی در حوزه شوروی سابق در اوکراین و گرجستان، برقراری تعاملات نظامی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، ایجاد گروه ۱+۵ در آسیای مرکزی، ترغیب کشورهای این مناطق به عضویت یا مشارکت در نهادهای غربی از جمله ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا، تسهیل شرایط برای تجارت آزاد کشورهای این مناطق با مجموعه غرب از جمله پیشنهاد اروپا به اوکراین برای توافق تجارت آزاد، تلاش برای کاهش وابستگی کشورهای «سی‌آی‌اس» و اروپایی به منابع و خطوط انرژی روسیه و فشارهای رسانه‌ای و تبلیغی روسیه‌هراسانه قابل مشاهده است.

- تلاش برای ائتلاف‌سازی علیه روسیه و تضعف رابطه مسکو با مؤتلفین و متحدین آن؛ امریکا در این راستا کمک‌های گوناگونی را در حوزه اقتصادی، حمایت سیاسی، همکاری فرهنگی، روابط نظامی و تسلیحاتی به همسایگان، شرکاء و مؤتلفین روسیه به‌ویژه در «سی‌آی‌اس» در ازاء امتناع آن‌ها از همکاری با مسکو پیشنهاد کرده است. در این راستا، دونالد ترامپ در لایحه بودجه ۲۰۲۰ خود با ادعای حمایت از متحدان آسیایی و اروپایی برای مقابله با نفوذ مخرب روسیه درخواست نیم میلیارد دلار کرده است. این مبلغ برای حفاظت از تمامیت ارضی متحدان آمریکا، تحکیم امنیت جمعی، جلوگیری از خرید تسلیحات نظامی روسی توسط شرکاء آمریکا و تقویت اقتصاد کلان آن‌ها صرف خواهد شد تا روسیه نتواند از نقطه‌ضعف‌ها در این زمینه از جمله وابستگی به بخش انرژی و تجاری خود سوءاستفاده کند (Trump asks ..., 2019). این سیاست در مورد کشورهای چو لهستان، اوکراین، گرجستان و کشورهای حوزه بالتیک که نگرانی مستقیم در مورد روسیه دارند موفق بوده و آن‌ها همراهی زیادی با سیاست مهار امریکا علیه روسیه داشته‌اند. این رویکرد در مورد برخی دیگر در اروپای مرکزی و غربی چون آلمان و فرانسه که به رفتارهای روسیه نقد دارند، اما نگرانی مستقیم ندارند، نیز تا

حدودی موفق بوده و واشنگتن توانسته با تأکید بر منافع جمعی (Mandelbaum, 2019: 127)، همراهی آن‌ها را در سیاست تحریم یا فعالیت‌های ضدروسی ناتو به دست آورد. در مورد سایرین نیز سیاست فشار علیه مسکو سبب احتیاط در روابط آن‌ها با روسیه بوده است. در سوی دیگر، تلاش واشنگتن برای ترغیب واگرایی از مسکو در «سی‌آی‌اس» و نیز ایجاد اختلاف در محور روسیه، ایران و ترکیه در موضوع سوریه و خاورمیانه نیز مشهود است.

- آسیب‌پذیر کردن امنیت و نوار حائل امنیتی و ژئوپولتیکی پیرامون روسیه؛ این سیاست از طریق گسترش ساختارها و زیرساخت‌های نظامی به مناطق پیرامونی و نزدیکی مرزهای روسیه به طور خاص با گسترش ناتو و توسعه سپر ضد موشکی دنبال می‌شود. توسعه ناتو از طریق به عضویت درآوردن، جلب مشارکت در برنامه‌ها یا استقرار تسلیحات نظامی در کشورهای پیرامونی روسیه از ابتدای فروپاشی شوروی در دستور بوده و در دوره ترامپ با گسیل تجهیزات نظامی به لیتوانی (در ۲۰۰ کیلومتری سن‌پترزبورگ و ۷۰۰ کیلومتری مسکو) و استونی ادامه یافته است. هرچند گسترش ناتو به «سی‌آی‌اس» بنا به شرایطی فعلاً معلق مانده، اما همکاری با کشورهای این حوزه از جمله در چهارچوب «۲۹+۲» (ناتو + اوکراین و گرجستان) همچنان مورد تأکید است (Нестеров, 2018: 48). تقویت نظامی ناتو در مقابل روسیه نیز در حال پیگیری است. در نشست ۷ ژوئن ۲۰۱۸ وزاری دفاع ناتو که به بررسی راهکارهای حمایت از این سازمان و متحدان آن در مقابل تهدیدات روسیه و تقویت توان نظامی ناتو از طریق تسهیل جابجایی نیروهای آن در سراسر اروپا در هنگام بحران اختصاص داشت، طرح «چهار سی تایی» مصوب شد که بر اساس آن، ۳۰ گردان پیاده نظام، ۳۰ اسکادران هوایی و ۳۰ ناو دریایی باید بتوانند طی ۳۰ روز در هر نقطه بحرانی استقرار بیابند (Press conference by NATO ..., 2018). افزون بر این، در اواخر سال ۲۰۱۸ مرکز چندملیتی «شمال-شرق» با حمایت لتونی، استونی و دانمارک ایجاد شد. در رومانی نیز مرکز آموزش نیروهای زمینی ناتو جهت آمادگی برای عملیات‌های واکنش سریع ایجاد شده که از اهداف آن تقویت نظامی در مقابل روسیه است (Пархалина, 2018). در سوی دیگر، عملیات نظامی ناتو در افغانستان، تقویت همکاری و کمک تسلیحاتی به کشورهای حوزه «سی‌آی‌اس» و جلب آن‌ها به عملیات‌های ناتو از جمله در افغانستان در

قالب برنامه‌های لجستیکی در مورد قزاقستان، آذربایجان، ازبکستان و تاجیکستان به‌نسبت موفق بوده است. در این راستا، مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا ضمن اشاره به اینکه ناتو تهدیداتی مانند دیوار آهنین و گسترش کمونیسم را بی‌اثر کرده، تأکید دارد وظیفه کنونی این سازمان مقابله با رفتارهای خصمانه روسیه (و چین) است (Pompeo Warns ..., 2019).

عنصر دیگر در این زمینه توسعه سپر ضد موشکی امریکا/ناتو است. ساخت این سپر از دوره شوروی در برنامه امریکا بوده و هرچند در دوره پسا شوروی وقفه‌هایی در ساخت آن ایجاد شده، اما اصل پروژه از دستور خارج نشده است. در این راستا، برخی اجزاء این سپر در اروپا شرقی در نزدیکی مرزهای روسیه مستقر شده و توسعه آن به سایر مناطق و کشورها از ترکیه و قطر در خاورمیانه تا کره جنوبی در شبه جزیره کره نیز مدنظر است که می‌تواند عمق راهبردی، امنیت و ژئوپولیتیک روسیه را آسیب‌پذیر کند. خروج امریکا از «توافقنامه موشک‌های ضد بالستیک» (ای بی ام) (۲۰۰۱) و «توافقنامه توانمندی‌های اتمی میان‌برد «آی‌ان‌اف» (۲۰۱۹) در راستای توسعه نظامی علیه روسیه از جمله در قالب سپر ضد موشکی قابل تفسیر است.

فهم روسی از راهبرد مهار امریکا

روسیه در طول تاریخ خود بنا به دلایل مختلف از جمله منابع طبیعی بسیار غنی و موقعیت جغرافیایی ممتاز بارها مورد تهاجم قدرت‌های بزرگی چون مغول‌ها (قرن ۱۳)، فرانسه (ناپلئون، ابتدای قرن ۱۹) و آلمان (هیتلر، ۱۹۴۱) قرار گرفته (البته، خود گاهاً مهاجم نیز بوده است) و در تاریخ اخیر خود نیز همواره در کشاکش تنش و رقابت قدرت با مجموعه غرب به‌ویژه امریکا بوده است. اثرات این وضعیت به شکل نگرانی امنیتی تاریخی از یک سو و تصور قرار داشتن در رقابت دائم با قدرت‌های بزرگ از سوی دیگر، مهار و بازدارندگی در ارتباط با دشمنان/رقبا را به مولفه‌ای مهم در سیاست خارجی و امنیتی آن تبدیل کرده است.

مرور اسناد بالادستی و اظهارات مقامات روسیه از دوره شوروی تا پسا شوروی نشان می‌دهد که این کشور جدی‌ترین تهدید علیه خود را از ناحیه امریکا می‌داند که در قالب سیاست مهار نمود یافته است. روس‌ها این سیاست را از منشور رئالیستی خود بازی

صفر و مرتبط با مقولات ژئوپولیتیک، امنیت، حوزه نفوذ و رقابت قدرت تفسیر می‌کنند. بند ۱۲ راهبرد امنیت ملی روسیه (دسامبر ۲۰۱۵) در این باب تصریح دارد که "پیشبرد سیاست داخلی و خارجی مستقل از سوی روسیه با مخالفت امریکا و متحدان آن مواجه می‌شود که به دنبال حفظ تسلط خود بر امور جهان هستند. آن‌ها برای تحقق این منظور سیاست مهار روسیه را دنبال می‌کنند که با فشارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی همراه است" (Стратегия Национальной ..., 2015). بند ۶۱ مفهوم سیاست خارجی روسیه (نوامبر ۲۰۱۶) همین مضمون را تکرار و تأکید دارد که سیاست مهار علیه این کشور باعث بی‌ثباتی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود (Концепция (внешней ..., 2016).

مهار در این معنی مرتب بر اقدام تهاجمی امریکا علیه روسیه است که با همان ماهیت دوره شوروی در دستور واشنگتن قرار دارد و هدف آن از یک سو تأمین منافع، امنیت و برتری مطلق برای امریکا و در سوی دیگر، تحدید دامنه قدرت، نفوذ و ژئوپولیتیک روسیه، تضعیف جایگاه آن در عرصه بین‌الملل و تبدیل این کشور به بازیگری دنباله‌رو در چهارچوبه برساخته امریکا است. به باور مسکو، در این معادله صفر توفیق امریکا در پیشبرد سیاست مهار با تغییر موازنه به ضرر روسیه، افزایش آسیب‌پذیری راهبردی آن و مجبور شدن این کشور به امتیازدهی در مناطق و عرصه‌های مختلف مصادف خواهد بود.

اشاره شد که یکی از دلایلی که امریکا بر اساس آن بر مهار روسیه تأکید دارد، فرض تلاش مسکو برای تجدیدنظرطلبی در ساخت‌ها و روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی زیرکنترل یا مطلوب واشنگتن است که می‌تواند منجر به تضعیف امریکا شود. این در حالی است که روسیه اقدامات بین‌المللی خود را تلاشی طبیعی و منطبق با ظرفیت‌ها و شایستگی‌های آن برای بازیابی جایگاه قدرت بزرگ خود در عرصه بین‌الملل می‌داند و لذا اقدامات محدودساز علیه این آرمان ملی را دشمنانه تلقی می‌کند. در این رابطه سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در مقاله‌ای زیر عنوان «مهار روسیه؛ از گذشته تا آینده» تأکید دارد که غرب/امریکا سیاست مهار روسیه را با دیدگاه ایدئولوژیک روس‌هراسانه دنبال می‌کنند، حال آنکه مسکو به دنبال تقویت جایگاه بایسته بین‌المللی خود است و خواهان تقابل نیست (Лавров, 2007: 11-12).

برخی تحلیل‌گران روس بر آن‌اند که اقدامات تهاجمی آمریکا در قالب راهبرد مهار نه تنها در جهت تضعیف امنیت و ژئوپولیتیک روسیه، بلکه تلاشی برای تضعیف هویت روسی نیز می‌باشد که در بحران اوکراین با جدا کردن این کشور از «دنیای روسی» پیگیری شد (Самсонов, 2014). با این ملاحظه، تأکید می‌شود که آمریکا در موضوع اوکراین نه به دنبال حل مسئله، بلکه با هدف استمرار فشار بر مسکو به دنبال ایجاد اوکراین‌ها و بحران‌های جدید است. بر این اساس، روسیه هم از بُعد سلبی و هم ایجابی مقابله با راهبرد مهار را ضروری می‌داند. چرا که هم تهدیدی مستقیم علیه منافع و امنیت آن است و هم تحقق آرمان احیاء قدرت بزرگ و تثبیت جایگاه بین‌المللی این کشور به‌عنوان یک هویت و مرکز قدرت مستقل و صاحب‌تأثیر را با چالش و تأخیر مواجه می‌کند.

در اسناد بالادستی روسیه تأکید شده که این کشور در گذار نظم بین‌الملل به نظم جدید موقعیت خود به‌عنوان یک مرکز قدرت را تحکیم کرده و با تلاش‌ها برای نادیده گرفتن منافع خود در عرصه بین‌الملل مقابله خواهد کرد (Шахалилов, 2016: 124). مسکو با همین نگاه بلندمدت بر بازدارندگی پویا و جامع در مقابل سیاست مهار آمریکا تأکید دارد. در این رابطه، بند ۲۶ راهبرد امنیت ملی روسیه (۲۰۱۵) برای مقابله با تهدیدهای خارجی که ماهیتی مرکب و به‌هم‌مرتبط دارند اقدام در دو سطح داخلی و خارجی از یک سو جهت تقویت وحدت ملی و ثبات اجتماعی و از سوی دیگر برای تقویت توانمندی‌های دفاعی را لازم می‌داند. از این منظر، بازدارندگی در مفهوم روسی ضرورتاً به بُعد نظامی و به سطح خارجی محدود نمی‌شود و مسائل و سطوح داخلی را نیز در بر می‌گیرد.

در ساختار بازدارندگی روسیه (۱) منشأ تهدید یا تهدیدگر؛ آمریکا و رویکرد برتری‌طلب آن، (۲) نوع تهدید؛ سیستمی یا ساختاری ناشی از تلاش آمریکا برای استمرار موقعیت برتر و هژمونیک خود در نظم بین‌الملل و (۳) منافع حیاتی مورد تهدید؛ ارتقاء موقعیت مسکو به جایگاه قدرت بزرگ و قبض نفوذ و ژئوپولیتیک آن است. روسیه معتقد است بازدارندگی مؤثر در برابر آمریکا در شرایطی که نظم بین‌الملل در فرایند گذار به نظم جدید قرار دارد، می‌تواند تعیین‌کننده وزن و جایگاه مسکو در معادلات آتی قدرت نیز باشد و ضریب نفوذ آن بر تحولات مختلف بین‌المللی از جمله بحران در

خاورمیانه، شبه جزیره کره، معادلات اروپا، روندها در اوراسیای بزرگ و ... را نیز افزایش دهد. تحقق این تحول در معادله‌ای صفر به معنی کاهش توان امریکا برای مهار روسیه خواهد بود.

بازدارندگی روسیه علیه سیاست مهار

برای روسیه که در دهه ۱۹۹۰ تا ابتدای دهه ۲۰۱۰ با ضعف منابع و بحران‌های مختلف ناشی از پس‌لرزه‌های فروپاشی شوروی مواجه بود، اعمال بازدارندگی مؤثر در برابر راهبرد مهار امریکا به راحتی امکان پذیر نبود. معادله مهار و بازدارندگی در این مقطع کاملاً نامتقارن بود. به این معنا که امریکا از ابزارهای مختلف علیه روسیه استفاده می‌کرد، اما در مقابل توان بازدارندگی مسکو تنها در بخش نظامی متمرکز بود و در سایر حوزه‌ها موضعی دفاعی و ایزایی داشت. پس از این تاریخ به تبع تقویت مولفه‌های قدرت داخلی و تحکیم جایگاه بین‌المللی روسیه بازدارندگی فعال در ابعاد مختلف نظامی و غیرنظامی بیش از گذشته مورد تأکید بوده است. در فضای جدید، مسکو علاوه بر بُعد سلبی بازدارندگی یعنی تلاش برای خنثی کردن اقدامات تهاجمی امریکا، به بُعد ایجابی آن یعنی سعی برای تثبیت خود به عنوان یک موازنه‌گر مؤثر و سهم‌گیری از مدیریت روندهای بین‌المللی نیز توجه دارد. دیدگاه‌ها در روسیه در باب بازدارندگی را می‌توان به سه دسته عمده تقسیم کرد؛

- دیدگاه سنتی رئالیستی؛ با تأکید بر ابعاد سختی چون ژئوپولیتیک و امنیت بیشتر بر موازنه و بازدارندگی نظامی/اتمی تأکید دارد.

- دیدگاه ضدهژمونیک؛ ضمن حفظ بن‌مایه موازنه و بازدارندگی نظامی/اتمی، سخت‌انگاری دیدگاه سنتی را با تأکید بر نگاه گسترده به رقابت/تقابل راهبردی با امریکا تعدیل می‌کند. از این دیدگاه، می‌توان از بازدارندگی اتمی به عنوان کارت برنده‌ای نه تنها در مقابل تهدیدات نظامی/اتمی، بلکه سایر تهاجمات امریکا از جمله سپر ضد موشکی و ... نیز استفاده کرد (Rojansky, 2013: 309).

- دیدگاه عمگرا؛ ضمن حفظ نگاه‌های امنیتی، ژئوپولیتیکی و ضدهژمونیک، این مفاهیم را تعدیل کرده و در انطباق با شرایط جدید، به بازدارندگی رویکردی ایجابی و نه ضرورتاً سلبی-دفاعی دارد. معتقد است، روسیه با بازدارندگی جامع، پویا و هوشمندانه

نه تنها می‌تواند تهدیدات را دفع کند، بلکه از آن برای ارتقاء جایگاه بین‌المللی خود نیز استفاده نماید. این نگاه نسبت به دو مورد قبلی تمایل بیشتری به مصالحه با امریکا از جمله در موضوع ثبات راهبردی و احتراز از هزینه‌های بازدارندگی همه‌جانبه سخت دارد.

برداشت‌ها از تهدید و پاسخ به آن در دکترین‌های نظامی روسیه (Platte and Robinson,

2018: 154)

سال انتشار دکترین	تهدیدات (داخلی یا خارجی)	توانمندی‌های نظامی	موضع	ترکیب سلاح‌های متعارف و اتمی
دوره جنگ سرد	خارجی	زیاد	عدم ضربه اول	تأکید بر استفاده بازدارنده از سلاح‌های متعارف
۱۹۹۳	خارجی و در مرزها	ضعیف	ضربه اول محدود	بله
۲۰۰۰	داخلی و خارجی	ضعیف	ضربه اول گسترده	بله
۲۰۱۰	تهدیدات داخلی و خطرات خارجی	متوسط و در حال پیشرفت	ضربه اول حداقلی	بله
۲۰۱۴	تهدیدات و خطرات داخلی و خارجی	متوسط و در حال پیشرفت	ضربه اول اساسی	بله

رویکرد دولت فعلی روسیه ملغمه‌ای از سه دیدگاه بازگفته با تمرکز بر نوع سوم است. این رویکرد ترکیبی، ضمن تأکید بر ضرورت موازنه و بازدارندگی سخت در برابر امریکا، به ابعاد نرم این موضوع و به تبع آن کاربست ابزارهای متنوع برای تأمین بازدارندگی جامع و پویا اهتمام دارد. در این رویکرد، بر هر سه کارکرد بازدارندگی یعنی ممانعت از اقدامات تهاجمی امریکا، ممانعت از بروز تنش و جنگ و ایجاد بستر برای گفتگو و مصالحه توجه می‌شود. در این دیدگاه واشنگتن نه ضرورتاً یک تهدید راهبردی، بلکه شریک راهبردی برای تعامل در موضوعات راهبردی از جمله امنیت و ثبات بین‌الملل نیز می‌تواند باشد.

بند ۳۶ راهبرد امنیت ملی روسیه (دسامبر ۲۰۱۵) تحقق بازدارندگی راهبردی را از طریق اقدامات به هم مرتبط سیاسی، نظامی، نظامی-فنی، دیپلماتیک، اقتصادی و اطلاعاتی ممکن می‌داند. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه بازدارندگی راهبردی را عبارت می‌داند از تدوین و عملیاتی کردن سیستمی مجموعه اقدامات بهم مرتبط سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی با هدف حذف یا کاهش تهدید از طریق اقدام سخت علیه تجاوز دولت یا دولت‌های دیگر. او با اشاره به اینکه بازدارندگی به حوزه نظامی محدود نمی‌شود، تأکید دارد اقتصاد از عناصر مهم این راهبرد است که باید پشتوانه نیروهای مسلح، صنایع نظامی و رفاه شهروندان روسی باشد که به ارزش‌های امنیتی و میهنی اعتقاد دارند (Рябков, 2014: 30-31). روسیه با این نگاه جامع، بازدارندگی را متناسب با تهدیدات امریکا هم با اتکاء به توانمندی‌های خودیاور داخلی و هم از طریق اقدامات خارجی در حوزه‌ها و سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری می‌کند؛

سطح داخلی؛

- *مقابله با اعمال فشارها برای تغییر رفتار یا نظام در روسیه؛ همچنان که اشاره شد، روسیه یکی از مؤلفه‌های مهم سیاست بازدارندگی و مقابله با فشارهای خارجی را تقویت وحدت ملی و ثبات اجتماعی می‌داند. این رویکرد طی سال‌های اخیر با توجه بیشتر کرملین به عرصه داخل از جمله از طریق تقویت عناصر هویت ملی، وحدت ملی و بهبود شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته تا از این طریق ضمن تقویت نظم و نظام در روسیه، پشتوانه محکم‌تری برای سیاست بازدارندگی دریافت نماید. از دیگر تلاش‌ها در این زمینه می‌توان به مقابله داخلی و بین‌المللی با تحریم‌ها اشاره کرد که توانسته پس از شوک سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ ثبات نسبی را در عرصه اقتصادی که ارتباط نزدیکی با عرصه اجتماعی دارد، برقرار نماید.*

- *تلاش برای تقویت توانمندی‌ها؛ خودیآوری از اصول بنیادی رئالیستی سیاست خارجی و دفاعی روسیه است و این کشور تقویت توانمندی‌های خودیاور خود در حوزه‌های مختلف به ویژه نظامی و اقتصادی را اصل ابتدایی بازدارندگی می‌داند. از آنجاکه روسیه تنها در حوزه نظامی امکان بازدارندگی مؤثر با امریکا را دارد، تأکید بر*

ضرورت تقویت نظامی در اسناد بالادستی این کشور خصوصاً در زمینه اتمی و موشکی ملموس است. از جمله بند ۳۶ راهبرد امنیت ملی روسیه (دسامبر ۲۰۱۵) و همچنین بند ۳۳ دکترین نظامی روسیه (دسامبر ۲۰۱۴) بر حفظ و تقویت ظرفیت‌های اتمی در سطح قابل اطمینان به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی تأمین بازدارندگی راهبردی تصریح دارند (Военная доктрина ..., 2014). مسکو سلاح‌های اتمی را همچنان عنصری مهم برای ممانعت از جنگ‌های هسته‌ای و جنگ‌های گسترده غیراتمی می‌داند که می‌توانند به جنگی اتمی تبدیل شوند. بند ۲۷ دکترین نظامی روسیه (دسامبر ۲۰۱۴) در تأکید بر قدرت بازدارنده اتمی این کشور حق استفاده از سلاح اتمی در پاسخ به استفاده از سلاح اتمی یا سایر سلاح‌های کشتار جمعی علیه مسکو یا متحدان آن را مورد تأکید قرار داده است.

بازدارندگی نظامی به قدری جدی است که روسیه توان نظامی خود را دائماً متناسب با تهدید نظامی امریکا/ناتو به‌روزرسانی می‌کند. در این زمینه، بند ۲۱ دکترین نظامی روسیه (دسامبر ۲۰۱۴) بر مقابله با تلاش سایر دولت‌ها برای کسب برتری نظامی از طریق گسترش سامانه ضد موشکی، استقرار سلاح در فضا و گسترش سامانه‌های تسلیحاتی بسیار دقیق غیراتمی تأکید دارد. به تناسب این تهدید به‌ویژه در مفهوم ضربه سریع جهانی، کرملین بر تقویت سامانه‌های موشکی و اتمی تهاجمی و دفاعی، ارتقاء کیفی کادرهای نظامی، توسعه همکاری‌های نظامی خارجی و فروش تسلیحات اهتمام دارد. روسیه در حال توسعه نسل چهارم موشک‌های حامل کلاهک اتمی است که قادر به عبور از سامانه دفاع ضد موشکی امریکا هستند. از این جمله موشک سارمات «آی‌اس-۲۸» است که می‌تواند بین ۱۰ تا ۲۴ کلاهک اتمی را حمل کند (Platte and Robinson, 2018: 137). به علاوه، روسیه توسعه موشک فراصوت «وای‌یو-۷۱» با سرعت ۷۰۰۰ مایل در ساعت، بمب‌افکن‌های اتمی «پاک‌دا» که توان حمل و پرتاب موشک‌های کروز را دارند، سامانه دفاع ضد موشکی «اس ۵۰۰» که قادر به هدفگیری موشک‌های بالستیک، ماهواره‌های مدار پایین و جنگنده‌های اف ۲۲ و اف ۳۵ است را نیز در دستور دارد. به تأکید پوتین، روسیه به‌رغم روند کاهشی بودجه نظامی خود از سال

۲۰۱۷ و به‌رغم اینکه در میان قدرت‌های بزرگ تنها کشوری است که بودجه نظامی کاهشی داشته، اما نه تنها توانسته موازنه نظامی و اتمی را حفظ کند، بلکه دو گام از رقبای خود نیز جلوتر باشد (Путин: РФ остается ..., 2019).

- دومین حوزه مهم خودیاور روسیه برای بازدارندگی تلاش برای تقویت اقتصادی است. بند ۶۲ راهبرد امنیت ملی روسیه (دسامبر ۲۰۱۵) برای مقابله با تهدیدات امنیت اقتصادی، تأکید دارد باید نسبت به توسعه تماس‌های کاری بین‌المللی، جذب فن‌آوری و سرمایه خارجی، اجرای پروژه‌های مشترک، گسترش بازارهای فروش خارجی و مخالفت با تلاش دولت‌های خارجی برای تنظیم بازارهای جهانی بر اساس منافع خود اقدام شود. این هدف‌گذاری‌ها در راستای راهبرد تبدیل روسیه به قدرتی با اقتصادی پیشرفته و دانش‌محور و تحول جامعه روسی به جامعه فراصنعتی و اطلاعاتی است که بتواند به نحو فعال‌تر از منافع خود در مفهوم بازدارندگی حفاظت نماید. بر این اساس، روسیه از یک سو به دنبال تقویت اقتصاد داخلی خود و در سوی دیگر، تقویت اقتصاد خارجی برای مقابله با فشارهای اقتصادی سیاست مهار به‌ویژه تحریم است. از راهکارهای مسکو در این زمینه متنوع‌سازی شرکاء و مسیرهای مراودات اقتصادی و انرژی از جمله با شرق آسیا و خاورمیانه است که طی سال‌های اخیر به صورت جدی‌تری پیگیری می‌شود.

سطح منطقه‌ای و بین‌الملل؛

- مخالفت با یکجانبه‌گرایی امریکا و تلاش آن برای انزوای روسیه؛ مسکو در فضاهای مختلف از شورای امنیت که در آن حق وتو دارد تا سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله بریکس، شانگهای، گروه بیست و نهادهای اروپایی از جمله پارلمان اروپا مخالفت خود با برتری طلبی امریکا، مساعی آن برای انزوای خود و بیرون‌گذاری روسیه از معادلات بین‌المللی را ابراز داشته است. در مقابل، با دیپلماسی فعال همواره بر آن بوده تا در این معادلات حضور فعال داشته باشد و با معرفی خود به‌عنوان وزنه تعادل

۱. به تأکید پوتین بودجه نظامی روسیه در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به میزان ۳/۴ و ۳ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بوده و این مقدار در سال‌های ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به ترتیب ۲/۹، ۲/۸۷ و ۲/۸ درصد خواهد بود.

امریکا جایگاه خود به عنوان یک قدرت بزرگِ مسئول را تثبیت نماید. از این جمله می توان به برخی نشست های صلح افغانستان و سوریه اشاره کرد، که با ابتکار، مشارکت یا محوریت روسیه برگزار شده است. مسکو با تقبیحِ گفتمانِ ارزش محورِ تحمیل گرایِ امریکا و در مقابل، تأکید بر گفتمان دولت محور از جمله مؤلفه هایی چون ضرورت محوریت دولت در حیات سیاسی، احترام به حاکمیت دولت ها، عدم مداخله در امور داخلی دولت ها، ثبات دولتی، امنیت دولتی و مخالفت با تلاش برای تغییر و براندازی دولت های قانونی که برای بسیاری از جمله دشمنان و حتی شرکاء امریکا جذابیت دارد توانسته دیپلماسی مثبتی را در مقابل آن پیش ببرد.

- *مقابله با تلاش امریکا برای سلب نفوذ روسیه در حوزه های منطقه ای؛ «سی آی اس»*
اولویت اول منطقه ای مسکو است و تلاش برای حفظ و توسعه نفوذ سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی و مقابله با تلاش های خارجی به ویژه امریکا برای قبض نفوذ روسیه در این حوزه هم به لحاظ امنیتی و هم هویتی مهم است. اهمیت بازدارندگی در این زمینه به دلیل فرض پیوستگی امنیت و ژئوپولیتیک در این منطقه و سرزمین روسیه می باشد. مسکو با دخالت نظامی در گرجستان (۲۰۰۸) و اوکراین (۲۰۱۴) سطح بالای حساسیت خود نسبت به ژئوپولیتیک و اهمیت بازدارندگی در این منطقه را مورد تأکید قرار داد. تلاش برای حفظ وابستگی ساختاری کشورهای این حوزه به خود، مقابله مستقیم و غیرمستقیم با انقلاب های رنگی در منطقه، تلاش برای ایجاد نهادها و روندهای چندجانبه روسیه محور از جمله سازمان شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان پیمان امنیت جمعی، ممانعت از واگرایی و مدیریت تمایل این کشورها به توسعه روابط با مجموعه غرب از دیگر تلاش های روسیه در این زمینه است که با هدف تقویت نفوذ منطقه ای خود و منع نفوذگذاری قدرت های خارجی به ویژه امریکا انجام می شود. همزمان کرملین تلاش های ایذایی و سلبی برای عدم مشارکت یا عضویت کشورهای حوزه «سی آی اس» در نهادها و روندهای غرب/امریکا محور را نیز در دستور دارد که از جمله می توان به مخالفت با الحاق این کشورها به ناتو، سپر ضد موشکی، پیمان تجارت آزاد با اروپا و ... اشاره کرد.



خاورمیانه دیگر حوزه‌ای است که روسیه طی سال‌های اخیر در پی توسعه نفوذ در آن بوده است. دخالت نظامی این کشور در سوریه نشان داد که تعریف گسترده‌تری از مفهوم حوزه نفوذ و بازدارندگی فعال دارد. تقویت روابط دو و چندجانبه سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی-فنی با کشورهای این منطقه، محورسازی با برخی از آن‌ها از جمله ایران، ترکیه و مصر و تلاش برای جلب برخی از جمله ایران و ترکیه به نهادهای روس محور حوزه «سی‌آی‌اس» از جمله سازمان شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشانگانی از توجه کرملین به ابعاد سلبی و ایجابی راهبرد نفوذ و بازدارندگی در خاورمیانه است. از نظر روسیه، حضور فعال در این منطقه و بازدارندگی در آن بهتر از مواجهه بازدارنده با امریکا در مرزهای روسیه و «سی‌آی‌اس» است.

اروپا حوزه دیگر تلاش منطقه‌ای روسیه برای بازدارندگی در برابر امریکا است. واشنگتن همواره از این قاره برای فشار بر مسکو استفاده کرده که نمود آن در توسعه زیرساخت‌های نظامی ناتو و سپر ضد موشکی در شرق اروپا در نزدیکی مرزهای روسیه یا تلاش‌های نرم اتحادیه اروپا برای رسوخ به «سی‌آی‌اس» در قالب سیاست همسایگی یا پیمان‌های تجارت آزاد مشهود است. هرچند نفوذ مسکو در این قاره کم است، اما به تلاش‌های خود برای متقاعد کردن اروپا برای عدم مشارکت در طرح‌های امریکامحور و در مقابل، مشارکت خود در روندها و ساختارهای امنیتی، سیاسی، و اقتصادی اروپایی و همچنین تلاش برای ایجاد شکاف بین اروپا و امریکا با دامن زدن به اختلافات آن‌ها ادامه می‌دهد.

- تقویت رابطه با متحدین، ائتلاف‌سازی و اخلال در ائتلاف‌های ضد روسی؛ مسکو در مقابل راهبرد امریکا برای انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی خود این سیاست را در دستور است. متنوع‌سازی شرکاء خارجی، یارگیری و ائتلاف‌سازی‌های جدید با مشارکت یا محوریت خود، حمایت از دولت‌های دوست و ایجاد اتحادهای ژئوپولتیکی و هم‌زمان خارج کردن کشورهای بیشتر از مدار امریکا به‌ویژه در مناطق پیرامونی از اجزاء این سیاست است. در این زمینه بند ۲۱ دکترین نظامی روسیه (دسامبر ۲۰۱۴) برای تأمین بازدارندگی بر گسترش دایره دولت‌های شریک و توسعه همکاری با آن‌ها بر اساس منافع مشترک برای تحکیم امنیت بین‌الملل تأکید دارد. در این رابطه، کرملین تقویت

روابط هم با نیروهای ضددهژمون از جمله ایران و چین، هم با شرکاء امریکا از جمله عربستان و اسرائیل و هم با نارضیان از تعامل با امریکا از جمله ترکیه و مصر را دنبال می‌کند. در سطح بالاتر، تقویت روابط با قدرت‌های بزرگ از جمله اعضاء بریکس و گروه بیست با هدف تقویت توان چانه‌زنی بین‌المللی روسیه نیز در دستور است.

- *مقابله با آسیب امنیتی به نوار حائل امنیتی و ژئوپولیتیکی پیرامون روسیه؛ این مؤلفه با توجه به پیوستگی امنیت و ناامنی در مناطق پیرامونی و سرزمین روسیه از اولویت‌های دیگر مسکو در زمینه بازدارندگی است.* در این زمینه، بند ۱۲ دکترین نظامی روسیه (دسامبر ۲۰۱۴) افزایش ظرفیت‌های نظامی ناتو، احاله وظایف جهانی به آن و نزدیک شدن زیرساخت‌های نظامی این سازمان به مرزهای خود، ساخت و توسعه سامانه دفاع ضدמושکی و توسعه سامانه‌های تسلیحاتی غیراتمی بسیار دقیق در نزدیکی مرزهای روسیه را از مهم‌ترین «خطرات نظامی خارجی» می‌داند. این خطرات تهدیدات مختلفی از برتری راهبردی امریکا تا آسیب‌پذیر شدن عمق راهبردی روسیه، انقباض ژئوپولیتیکی بیشتر آن، کاهش نفوذ روسیه در ترتیبات سیاسی-امنیتی منطقه‌ای و تضعیف توان ضربه دوم (هسته‌ای) این کشور را در پی خواهد داشت. مسکو برای تحقق بازدارندگی در این حوزه افزون بر تلاش منفردانه برای تقویت نظامی، به دنبال تقویت روابط دو و چندجانبه با کشورهای حاضر در نوار حائل امنیتی و ژئوپولیتیکی پیرامون خود که از اروپای شرقی تا دریای سیاه، قفقاز جنوبی، دریای خزر و آسیای مرکزی امتداد دارد، نیز می‌باشد. با توجه به کاهش مرزهای ثبات و بی‌ثباتی، امنیت و ناامنی در عرصه‌های منطقه‌ای، روسیه بر گسترده‌تر کردن این نوار و توسعه آن به خارج از حوزه «سی‌آی‌اس» از جمله ایران، ترکیه و افغانستان تأکید دارد.

- *منحرف کردن و کاهش تمرکز و انرژی امریکا از روسیه و مرزهای آن؛ این تاکتیک از طریق انتقال نقطه تنش و رقابت به دورتر از مرزهای روسیه و سایر موضوعات یا احاله بخشی از بار و هزینه موازنه‌سازی و بازدارندگی به سایر نیروهای ضددهژمون نظیر چین یا ایران محقق می‌شود.* یکی از اهداف اقدام نظامی مسکو در سوریه تأمین هدف اول بود (Абаев, 2016) و در عمل نیز بعد از این اقدام به نحو ملموسی از تمرکز امریکا بر بحران اوکراین و حوزه «سی‌آی‌اس» کاسته و مرزهای



بازدارندگی به دور از جغرافیای روسیه منتقل شد. حمایت مسکو از سطح کنترل شده و محدودی از تنش میان ایران و امریکا نیز در این راستا قابل تفسیر است. وجود چنین تنشی ضمن گرفتن بخشی از انرژی امریکا، می تواند تمرکز آن از روسیه را به خاورمیانه منحرف نموده، هزینه های بازدارندگی مسکو را کاهش و برگه های چانه زنی آن در مقابل امریکا را افزایش دهد.

در پایان این قسمت تأکید می شود که مسکو به رغم اقدامات مختلف سخت و نرم بازدارنده به هدف گذاری سوم بازدارندگی یعنی پیدا کردن راهکاری برای مصالحه نیز توجه دارد. کرملین می داند که در وضعیت نامتقارن توانمندی های این کشور و امریکا این روسیه است که باید برای بازدارندگی هزینه و انرژی بیشتری صرف کند و در عمل نیز مقابله با ساختارهای شبکه ای امریکا به راحتی ممکن نیست. بر این اساس، بر آن بوده تا با تأکید بر وابستگی و آسیب پذیری متقابل در برخی موضوعات راهبردی از جمله ثبات و امنیت بین الملل با واشنگتن به توافق برسد و هزینه های بازدارندگی را تعدیل نماید. انعقاد و اجرای موافقتنامه های کنترل تسلیحات با امریکا یا تأکید بر اقدام مشترک در زمینه عدم اشاعه از جمله در موضوع هسته ای ایران در این راستا قابل تفسیر است.

تحولات جدید و پیچیدگی مهار و بازدارندگی

از ویژگی های مهم وضعیت حاضر بین المللی تضعیف تدریجی هژمونی غرب/ امریکا و پر شدن بخشی از خلأ آن از سوی قدرت هایی چون چین، روسیه و سایر اعضای بریکس است. این تحول که با انتقال تدریجی نظم های بین الملل و منطقه ای به نظم جدید، متنوع و متکثر شدن ساخت قدرت، کارگزاران و الگوهای هنجاری و رابطه ای، جابه جایی بخشی از منابع قدرت و ثروت از غرب به شرق، اختلاف در بلوک غرب، تغییر اهمیت مولفه های قدرت، تغییر راهبردهای خارجی و دفاعی، تغییر ماهیت تهدیدها و فرصت ها و ... همراه است، در عین تشدید رقابت قدرت های بزرگ از جمله امریکا و روسیه محتوای روابط آنها در زمینه هایی چون مهار و بازدارندگی را به دلایل زیر تغییر می دهد؛

- کاهش اهمیت بازدارندگی اتمی و افزایش اهمیت سایر انواع بازدارندگی

- تنوع و همزمانی تهدیدات (برخلاف گذشته کشورها با یک یا چند تهدید محدود مواجه نیستند)
 - تنوع و همزمانی تهدیدگرها (برخلاف گذشته کشورها با یک یا چند تهدیدگر محدود مواجه نیستند)
 - تنوع و همزمانی تهدیدات در سطوح داخلی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی
 - مشکل بودن اجماع‌سازی داخلی و ائتلاف‌سازی خارجی علیه کشور هدفِ مهار (مثلاً روسیه)
 - تقویت منابع و ارتباطات کشور هدفِ مهار برای بازدارندگی و ائتلاف‌سازی ضدمهار
 - تقویت وابستگی و آسیب‌پذیری متقابل بین دولت‌ها (از جمله بین دولت مجری مهار و دولت هدفِ مهار (مجری بازدارندگی))
 - تقویت اصل تسری و افزایش وابستگی متقابل بین موضوعات (افزایش احتمال سرایت ناخواسته موضوعی از یک حوزه به حوزه دیگر و به تبع آن افزایش هزینه‌های مهار و بازدارندگی (مثلاً کاربست تحریم علیه یک کشور می‌تواند مانعی برای همکاری ضروری با آن در حوزه دیگر از جمله امنیت شود))
 - اهمیت‌یابی مؤلفه‌های ارزشی، فردی، برداشتی و اجتماعی در راهبردهای مهار و بازدارندگی
- به تبع این تحولات معادله مهار و بازدارندگی به ضرر آمریکا و به نفع نیروهای ضدهژمون از جمله روسیه به طور نسبی تغییر کرده است. مسکو طی سال‌های اخیر با تقویت مولفه‌های قدرت داخلی و خارجی خود که با ارتقاء توان ائتلاف‌سازی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای چون چین و منطقه‌ای از جمله ایران همراه بوده، توانسته راهبرد مهار آمریکا علیه خود را با مشکل مواجه کند. تقویت توان بازدارنده مسکو با تأکید بیشتر آن بر مقابله با فشارها و یکجانبه‌گرایی زورمدارانه آمریکا و سهم‌خواهی بیشتر از مدیریت امور بین‌الملل مصادف بوده است. سند امنیت ملی آمریکا (دسامبر ۲۰۱۷) در اشاره به این واقعیت، تأکید دارد دشمنان و رقبای آمریکا مهارت به چالش کشیدن واشنگتن بدون مبادرت به جنگ و در چهارچوب حقوق بین‌الملل را آموخته‌اند. آن‌ها از

ابزارهای پیچیده سیاسی، اقتصادی و نظامی استفاده می‌کنند و این توانایی را یافته‌اند که به سرعت این ابزارها را تجمیع کنند (The National Security ..., 2017: 27-28). اگر آمریکا در دوره جنگ سرد تنها با شوروی و در سطح بین‌الملل تقابل داشت، در شرایط حاضر با قدرت‌های مختلف فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای از جمله چین و ایران مواجه است که هر یک توانایی‌های متمایزی برای به چالش کشیدن آمریکا و سیاست مهار آن دارند. متنوع شدن کشورهای هدف مهار با تقسیم انرژی و تمرکز آمریکا از اثرمندی سیاست مهار علیه مسکو می‌کاهد. در سوی دیگر، شوروی به لحاظ ایدئولوژیکی و ساختاری از جمله اقتصادی پدیده‌ای کاملاً متفاوت با آمریکا بود، اما در شرایط حاضر روسیه و سایر قدرت‌های ضدژمونی به لحاظ ایدئولوژیکی تضاد عمیق با آمریکا ندارند و به لحاظ اقتصادی بخشی از اقتصادی جهانی و در رابطه اقتصادی با آمریکا هستند. این موضوع با تقویت وابستگی و آسیب‌پذیری متقابل کاربست سیاست مهار را مشکل می‌کند.

در سوی دیگر، هرچند آمریکا در قرن گذشته در همکاری با شوروی زمینه شکست آلمان نازی و در همکاری با چین زمینه فروپاشی شوروی را فراهم کرد و در دهه‌های اخیر نیز در اتحاد با قدرت‌های اروپایی توانسته روسیه را مهار کند، اما یکی از مشکلات مهم آن در شرایط حاضر برای اعمال سیاست مهار، ایجاد ائتلاف است. همچنانکه روندها نشان می‌دهد، ائتلاف مهار علیه روسیه آنچنانی که آمریکا انتظار داشته شکل نگرفته و چهارچوب اسمی آن نیز در عمل چندان مؤثر نبوده است. در مقابل، اصرار بر مهار همه‌جانبه روسیه ائتلاف‌های (غیررسمی) ضدژمونی را تقویت کرده که این مسئله در تحکیم روابط مسکو با پکن و تهران قابل مشاهده است و در آینده می‌تواند مشکلات بیشتری برای سیاست مهار آمریکا ایجاد نماید.

جان لوئیس گادیس در کتاب خود زیر عنوان «راهبردهای مهار؛ نگاهی انتقادی به راهبرد پساجنگ امنیت ملی آمریکا» علل موفقیت راهبرد مهار شوروی از سوی آمریکا را عبارت از اجماع سیاسی داخلی در آمریکا میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، بسیج عمومی در داخل آمریکا (دولتی و خصوصی) و ائتلاف‌سازی موفق خارجی می‌داند (Graham, 2014). این مؤلفه‌ها هم‌اکنون برای روسیه جمع نیستند. بر این اساس، با

تغییر شرایط و ورود بازیگران و متغیرهای جدید به معادله مهار و بازدارندگی میان روسیه و آمریکا، مهار مسکو به آسانی گذشته نیست و توان منفردانه و ائتلافی مسکو برای بازدارندگی نیز بیش از گذشته اثرمند شده است.

باید توجه داشت که آمریکا با سیاست مهار به دنبال فروپاشی روسیه نیست، چرا که پیامدهای منفی منطقه‌ای و بین‌المللی چنین تحولی منافع واشنگتن را نیز متأثر خواهد کرد. در مقابل، تأکید مسکو بر سیاست ضدمهار و بازدارندگی به معنی تمایل آن به تقابل همه‌جانبه با آمریکا نیست، چرا که در شرایط وابستگی متقابل اقدام به موازنه و بازدارندگی تمام‌عیار علاوه بر تحمیل هزینه‌های زیاد، فرصت استفاده از مزایایی تعامل با واشنگتن در زمینه‌های مشترک را نیز از بین می‌برد. لذا، هرچند پایداری رقابت قدرت امکان حذف مهار و بازدارندگی از روابط دو کشور را نمی‌دهد، اما فهم مشترک از هزینه‌های تقابل و مزایای همکاری طرفین را به توافق برای موازنه منافع متمایل می‌کند. این رویکرد در توافقات آن‌ها در موضوع کنترل تسلیحات نمود داشته است. بر همین اساس، ناتو با تأکید بر سه اصل «دفاع، بازدارندگی و گفتگو»، ضمن اصرار بر ضرورت تقویت توان مهار و بازدارندگی علیه روسیه بر گفتگو با این کشور نیز تصریح دارد (Vukadinović et al., 2017: 9). در بین موضوعات مختلف، ثبات راهبردی مسئله‌ای مرتبط با منافع مشترک طرفین است که زمینه لازم برای گفتگو و مصالحه را دارد.

ثبات راهبردی مفهومی برای مصالحه

ثبات راهبردی همچون دیگر مفاهیم روابط بین‌الملل با تحول مواجه شده است. تعاریف اولیه این مفهوم تسلیحات‌محور بوده و در جنگ سرد و تقابل/رقابت شوروی و آمریکا ریشه دارد. اساس آن نیز بر بازدارندگی و موازنه راهبردی نظامی (اتمی) استوار است که بر وضعیت امنیت و جنگ تأثیر مستقیم دارد. در این ارتباط، شمار کلاهک‌های اتمی و حامل‌های آن‌ها، آسیب‌پذیری نیروهای اتمی، دکترین‌های متناسب و آرایش سامانه‌های موشکی بالستیک حائز اهمیت هستند (Colby, 2013: 48). تعاریف جدید از ثبات راهبردی طیف متنوع‌تری از مسائل از تلاش برای موازنه سخت به کمک تسلیحات و ذراتخانه‌های اتمی تا مساعی جهت مدیریت بحران‌های حاد سیاسی را شامل می‌شود.

این تحول به واسطه تغییر و تنوع در تهدیداتی است که می‌توانند امنیت و ثبات راهبردی را متأثر کنند و نه ضرورتاً در حوزه سخت‌امنیتی و نظامی، بلکه در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فنی و حتی زیست‌محیطی پراکنده هستند. به تبع این تحول، روش‌ها و ابزارهای تأمین ثبات راهبردی نیز متنوع شده‌اند (Walton and Gray, 2013: 93-85).

ثبات راهبردی به‌ویژه در شرایط کنونی گذارِ نظم‌های منطقه‌ای و بین‌الملل به نظم جدید و تشدید وابستگی و آسیب‌پذیری متقابل میان کشورها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ بیش از پیش اهمیت یافته است. این قدرت‌ها برای تأمین ثبات راهبردی بیش از گذشته به یکدیگر وابسته شده و در صورت عدم توافق بر سر این موضوع آسیب و هزینه‌های آن‌ها بیش از سایرین است. با این ملاحظه، در شرایط پرتغییر فعلی، تأمین ثبات راهبردی می‌تواند زمینه‌ای برای تعامل و توافق قدرت‌های بزرگ و میان آن‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای باشد. اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، جنگ‌ها و بحران‌های محلی و منطقه‌ای که پتانسیل بین‌المللی شدن را دارند، بحران‌های اقتصادی، تهدیدات نامتقارنی چون تروریسم بین‌الملل و تغییرات آب و هوایی از موضوعات مرتبط با ثبات راهبردی هستند که رسیدگی به آن‌ها نیازمند مساعی جمعی است (Foerster, 2018: 2-4).

ثبات راهبردی انعکاس‌های متفاوتی در روابط روسیه و آمریکا داشته است. از یک سو، دو کشور همچنان بر بُعد سنتی این مفهوم مترتب بر تأمین آن از طریق موازنه راهبردی نظامی-اتمی تأکید دارند، اما از دیگر سو، به ثبات راهبردی مترتب بر مدیریت سیاست و امنیت بین‌الملل برای ایجاد جهانی مسالمت‌آمیز و هماهنگ نیز توجه دارند که زمینه‌ای برای همکاری آن‌ها است. التفات بر این بُعد مصادف با کاهش تأکید بر سیاست مهار و بازدارندگی و در مقابل، بروز اختلاف با تأکید بیشتر بر این دو راهبرد همراه است. واقعیت ناخوشایندی که واشنگتن را در این زمینه متقاعد به همکاری با مسکو می‌کند، تضعیف هژمونی آن از یک سو و تقویت نفوذ بین‌المللی روسیه از سوی دیگر است. تجربه سیاست تحریم آمریکا نشان می‌دهد اجرای مهار حتی در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران نیز به راحتی امکان‌پذیر نیست. در مقابل، هزینه‌های فزاینده مستقیم و غیرمستقیم سیاست مهار از جمله اخلال در روابط آمریکا با متحدان آن از جمله

اروپا، واشنگتن را هرچه بیشتر به جستجوی راهکاری برای مواجهه منطقی‌تر با روسیه وامی‌دارند.

توافق و تعامل در زیرموضوعات بالاگفته ثبات راهبردی می‌تواند بخشی از این راهکار منطقی بوده، هزینه‌های واشنگتن را بکاهد و تحقق‌پذیری بخشی از اهداف و منافع آن را افزایش دهد. از این طریق، طرفین می‌توانند رقابت قدرت را مدیریت کرده و چهارچوبه مشخص‌تری برای سهم و منافع خود ترسیم کنند. نظر به اهمیت ثبات راهبردی در تأمین منافع مسکو بند ۲۱ دکترین نظامی روسیه (دسامبر ۲۰۱۴) این مفهوم و التزام به این امر را مورد تأکید قرار داده و سند راهبرد امنیت ملی روسیه (دسامبر ۲۰۱۵) نیز بخش مستقلی را به مفهوم ثبات راهبردی اختصاص داده است. بند ۱۷ مفهوم سیاست خارجی روسیه (۲۰۱۶) نیز بر فزاینده‌گی چالش‌ها و تهدیدهای فرامرزی در سیاست بین‌الملل تأکید دارد و بند ۷۳ این سند با اشاره به مسئولیت ویژه روسیه و آمریکا در خصوص ثبات راهبردی و امنیت بین‌الملل، بر همکاری آن‌ها در این باب و یافتن راه‌حل مشترک تأکید می‌کند.

همکاری با آمریکا در مفهوم ثبات راهبردی مزیت‌های چندگانه‌ای از جمله احتراز از ورود پرهزینه به سیاست مهار و بازدارندگی، قرار گرفتن در مقام مذاکره با آمریکا، کمک به احیاء جایگاه قدرت بزرگ، تثبیت موقعیت به‌عنوان یک قدرت ثبات‌بخش، امنیت‌ساز و موازنه‌گر و افزایش فرصت برای مشارکت در مدیریت امنیت و سیاست بین‌الملل را برای روسیه تأمین می‌کند. باید توجه داشت که هرچند روسیه هژمونی آمریکا را تضعیف شده و نفوذ بین‌المللی آن را در حال زوال می‌داند، اما در شرایط حاضر این نفوذ را قابل نادیده گرفتن نمی‌داند. به‌عکس، در وضعیت بی‌ثبات فعلی بین‌المللی ضرورت همکاری با واشنگتن برای تحقق ثبات راهبردی در مقولات بالاگفته را اجتناب‌ناپذیر ارزیابی می‌کند (نوری ۱۳۹۸: ۸۹). در این رابطه، بند ۹۸ راهبرد امنیت ملی روسیه (دسامبر ۲۰۱۵) تصریح دارد که این کشور با در نظر داشت تأثیر به‌سزای مناسبات آن با آمریکا بر اوضاع بین‌المللی علاقه‌مند به برقراری تعامل همه‌جانبه با واشنگتن بر اساس منافع مشترک برای اجرا و حمایت از سازوکارها و معاهدات کنترل تسلیحات، تحکیم اقدامات



اعتمادساز، حل مسائل مربوط به عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، گسترش همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و حل و فصل مناقشات منطقه‌ای است. نمود همکاری طرفین در مواردی چون توافقات تسلیحاتی، خلع سلاح شیمیایی سوریه، توافق هسته‌ای ایران، برنامه هسته‌ای کره شمالی و ... قابل مشاهده است. هرچند در این موارد اختلافاتی به شکل برداشت متفاوت از ماهیت مسئله، ریشه‌های شکل‌گیری، سازوکارهای حل و همچنین اولویت‌بندی متفاوت مسائل بین طرفین وجود داشته و دارد، اما در نهایت مسکو و واشنگتن نتوانسته‌اند یکدیگر را در رسیدگی به آن‌ها نادیده بگیرند. جرج کنان در راهبرد مهار خود ضمن تأکید بر استفاده از ابزارهای فشار سیاسی و اقتصادی، بر گفتگو نیز تأکید داشت. او معتقد بود واشنگتن در کنار رقابت، تضعیف و مهار مسکو باید رابطه و گفتگو را نیز در نظر داشته باشد. کنان در دوره پسا شوروی نیز بر این تأکید بوده که کاربست راهبرد مهار روسیه باید همراه با مذاکره و مصالحه باشد و انتظار از مسکو برای تسلیم بی‌قید و شرط به راهبرد مهار صحیح نیست (Starr, 2013).

پیامدهای مهار و بازدارندگی بر ایران

روابط روسیه و آمریکا از متغیرهای مهم روابط بین‌الملل است که تحول در آن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متفاوتی بر سایر بازیگران، روندها و نهادهای بین‌المللی دارد. ایران از این تأثیر مستقیم نیست و باتوجه به خاص بودن روابط آن با روسیه و آمریکا این اثر زیاد و پیچیده بوده است. همچنانکه روندها نشان می‌دهد فراز و فرود روابط مسکو با واشنگتن در دوره‌های یلتسین، پوتین، مدویدیف و پوتین تأثیرات مشخصی بر قبض و بسط روابط مسکو با تهران داشته است. از موضوعات مهمی که باعث این تغییرات بوده، وضعیت مهار و ضدمهار (بازدارندگی) در روابط روسیه و آمریکا است. در اینجا دو مثال از دو دوره قابل تأمل هستند.

در دوره مدویدیف به تبع تسلط گفتمان نوبوروآتلانتیسم محافظه‌کار بر سیاست خارجی روسیه از یک سو و رویکرد نرم اوباما نسبت به مسکو از سوی دیگر، از تأکید بر مهار و بازدارندگی در روابط دو کشور کاسته، مولفه‌های رقابت قدرت، امنیت و

ژئوپولیتیک به طور نسبی کمرنگ و در مقابل، عناصر سازگاری و تعامل پررنگ شدند. این تغییر، رابطه تعاملی مسکو را نه تنها با واشنگتن، بلکه با سایرین از جمله ایران نیز متأثر کرد. این تأثیر با عنایت به فضای تخاصمی میان ایران و آمریکا از یک سو و وجود مثلث رابطه میان ایران، روسیه و آمریکا از سوی دیگر، منفی بود که نمود آن در موافقت مسکو با قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل علیه تهران که در واقع کمک به سیاست فشار آمریکا بر ایران بود، قابل مشاهده است.^۱

در دوره سوم و چهارم پوتین به تبع تسلط گفتمان رئالیسم تهاجمی بر سیاست خارجی مسکو از یک سو و تأکید واشنگتن بر مهار سخت روسیه از سوی دیگر، عناصر سازگاری و همگرایی در روابط دو کشور کمرنگ و در مقابل، مؤلفه‌های امنیت و ژئوپولیتیک پررنگ شدند. نتیجه این تغییر تشدید راهبرد مهار روسیه از سوی آمریکا و در مقابل تأکید بیشتر مسکو بر بازدارندگی در مقابل آمریکا بوده است. این تحول نیز تأثیرات خود را بر شرکاء این دو کشور از جمله روابط روسیه با ایران داشته است. مسکو برای بازدارندگی مؤثر بر محورسازی با نیروهای ضدهژمون و تقویت شرکاء ژئوپولیتیکی خود تأکید داشته و در این بین، ایران به دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی و رویکرد ضدهژمونی-ضدامریکایی برای مسکو اهمیت یافته است. نمود میدانی این رویکرد در همکاری دو کشور در سوریه در مقابل تلاش آمریکا برای تغییر نقشه سیاسی-ژئوپولیتیکی خاورمیانه مشهود است. در ادامه به برخی تبعات مهم‌تر این دو سناریو برای ایران اشاره می‌شود؛

الف) تقلیل و کاهش اهمیت مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و آمریکا

الف-۱) تأثیرات منفی

- احتمال توافق دو کشور در موضوعات کلان چون ثبات راهبردی از جمله موضوع عدم اشاعه و فشار احتمالی بر ایران و برنامه هسته‌ای و موشکی آن
- احتمال متمایل شدن مسکو به توافق با آمریکا و در نتیجه احتیاط بیشتر آن در روابط با ایران و کاهش حمایت آن از تهران

۱. برای اطلاع بیشتر در خصوص تحولات روابط روسیه و آمریکا و روسیه و ایران در دوره مدویدیف رک به؛ (نوری، ۱۳۹۰)

- احتمال همراهی بیشتر مسکو با واشنگتن در موضوع ایران برای گرفتن امتیاز در موضوعات مهم تر از جمله عدم دخالت امریکا در حوزه «سی آی اس» و رفع تحریم‌ها
 - احتمال تلاش امریکا برای استفاده از روسیه برای فشار و مهار موثرتر ایران
 - احتمال تلاش امریکا برای ایجاد شکاف بین مسکو و تهران برای اجرای مؤثر سیاست مهار ایران
 - احتمال حمایت مسکو از سطح کنترل شده‌ای از تنش در روابط تهران و واشنگتن برای کاهش تمرکز امریکا بر سیاست مهار علیه خود^۱
 - احتمال تلاش روسیه برای افزایش اهمیت خود برای امریکا و نشان دادن خود به‌عنوان بازیگر مؤثری که واشنگتن نمی‌تواند آن را برای اعمال فشار مؤثر بر تهران نادیده بگیرد.
- الف-۲) تأثیرات مثبت
- احتمال گسترده‌تر شدن فضای بازی روسیه در عرصه بین‌الملل از جمله برای توسعه روابط دو و چندجانبه با ایران
 - احتمال کاهش تحریم‌ها علیه مسکو و به تبع آن افزایش تبادلات اقتصادی این کشور با ایران
 - ایجاد فضا برای تعاملات نظامی و فنی میان مسکو و تهران
 - ایجاد فضا برای همکاری‌های منطقه‌ای-سازمانی میان روسیه و ایران از جمله در سازمان شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا
- ب) تشدید و اهمیت‌یابی مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و امریکا
- ب-۱) تأثیرات مثبت
- اهمیت‌یابی ایران به‌عنوان یک نیروی ضدتهزمون برای روسیه و سیاست بازدارندگی آن در مقابل امریکا

۱. استقبال روسیه از وجود سطح کنترل شده‌ای از تنش میان ایران و امریکا در کنار کاهش انرژی و تمرکز واشنگتن برای اجرای سیاست مهار روسیه منافع دیگری از جمله افزایش بهاء نفت، کاهش فرصت‌های حضور ایران در بازار انرژی و وابستگی بیشتر تهران به مسکو به دنبال دارد (Noori, 2019).

- کاهش احتمال مصالحه میان روسیه و آمریکا و به تبع آن کاهش تأثیرات منفی این امر بر ایران
- حمایت روسیه از رفتارها و مواضع ضدآمریکایی ایران در روابط دوجانبه و مجامع بین‌المللی
- مخالفت روسیه با فشار بر ایران و حمایت از تهران در مقابل فشارهای تحریم، تلاش برای تغییر نظام و تهدید به جنگ
- تقویت اشتراکات نظری میان مسکو و تهران به دلیل ماهیت مشابه سیاست مهار آمریکا علیه دو کشور و به تبع آن امکان تعامل برای بازدارندگی مشترک
- ایجاد فضا برای توسعه همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی
- انتفاع مستقیم و غیرمستقیم ایران از هر تلاشی از سوی روسیه برای بازدارندگی در مقابل آمریکا
- انتفاع ایران از تقویت ثبات و امنیت در حوزه‌های پیرامونی از جمله آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، حوزه خزر، افغانستان و خاورمیانه، به تبع تلاش روسیه برای بازدارندگی در برابر اقدامات بی‌ثبات‌ساز آمریکا
- انتفاع ایران از مقابله روسیه با توسعه‌طلبی واشنگتن و نفوذگذاری بی‌ثبات‌کننده این کشور و متحدان آن در مناطق بالاگفته
- انتفاع ایران از مقابله روسیه با گسترش زیرساخت‌های نظامی آمریکا از جمله توسعه ناتو و سپر ضد موشکی به مناطق بازگفته و عرصه بین‌الملل
- انتفاع ایران از حمایت روسیه از موازنه قوا در خاورمیانه میان ایران و متحدان آمریکا
- ایجاد زمینه برای کاهش هزینه‌های ایران برای مقابله با فشارهای آمریکا با استفاده از ظرفیت‌ها و اقدامات ضدمهار روسیه
- افزایش نیاز مسکو به ایران به‌عنوان کشوری مهم در منطقه حائل ژئوپولیتیکی - امنیتی روسیه (ضربه‌گیر)

- امتیاز دادن روسیه به ایران برای ممانعت از سوق تهران به تعامل با واشنگتن علیه مسکو و برای استفاده از مزیت‌های رویکرد ضدژئومونی و ژئوپولیتیکی تهران
- ایجاد زمینه برای دریافت تسلیحات پیشرفته از روسیه برای تقویت توان بازدارندگی تهران
- انتفاع ایران از تمرکز امریکا بر روسیه و منحرف شدن انرژی و توجه آن از ایران
- ب- (۲) تأثیرات منفی
 - احتمال بازی مسکو با کارت ایران برای مصالحه با امریکا جهت کاهش هزینه بازدارندگی
 - احتمال استقبال روسیه از سطح کنترل شده‌ای از تنش میان ایران و امریکا یا سوق دادن ایران به تنش با امریکا برای کاهش فشار سیاست مهار علیه خود در مفهوم احاله مسئولیت و هزینه بازدارندگی^۱
 - احتمال اخلال روسیه در تلاش‌های احتمالی برای بهبود یا تنش‌زدایی در روابط ایران با مجموعه غرب با هدف حفظ ایران در فضای بازدارندگی و منطقه حائل امنیتی-ژئوپولیتیکی خود
- در شرایط فعلی و به تبع تشدید تنش در روابط روسیه با امریکا، تعمیق اختلافات آن با مجموعه غرب و سیاست‌گذاری جدید خاورمیانه‌ای، نقش ایران در سیاست امنیتی، خارجی و بازدارندگی فعال آن در قبال واشنگتن افزایش یافته و مسکو نمی‌تواند تهران را به راحتی نادیده بگیرد. ایران به عنوان بازیگری ضدژئومون نه تنها عنصر ثبات و مانع نفوذگذاری امریکا در مرزهای جنوبی روسیه است، بلکه نقش غیرقابل اغمازی در بازدارندگی فعال روسیه در خاورمیانه در مقابل امریکا و متحدان آن دارد (نوری، ۱۳۹۷: ۵۱). هرچند به واسطه تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی ظهور برخی اختلافات و بروز برخی رفتارهای تاکتیکی متعارض از سوی تهران یا مسکو می‌تواند سطح روابط را

۱. برای اطلاع بیشتر در خصوص این مفهوم ر ک به؛ (Toft, 2005: 385)

کاهش دهد، اما این امر حداقل تا زمانی که گفتمان رئالیسم تهاجمی در کرملین مسلط است، به معنی تغییر بنیادین جایگاه ایران در راهبرد بازدارندگی فعال مسکو نیست. بنابراین در شرایط حاضر، ابعاد مثبت معادله مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و آمریکا برای ایران بر ابعاد منفی آن چربش دارد و این موضوع در حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم مسکو از تهران در برابر «فشار حداکثری» ترامپ ملموس است. در عین حال، باید به دو نکته مهم توجه داشت. اول اینکه، باید به پیامدهای مثبت و منفی هر دو سناریو دیدی واقع‌بینانه داشت. رویکرد حمایتی مسکو از ایران در شرایط حاضر ابزاری-تاکتیکی بوده، راهبردی نیست و در راستای سیاست بازدارندگی فعال آن انجام می‌پذیرد. هرچند این رویکرد بخشی از منافع ایران را تأمین و هزینه‌های آن برای مقابله با فشارهای آمریکا را کاهش می‌دهد، اما تهران باید آگاه باشد که به موضوعی برای چانه‌زنی و مصالحه تبدیل نشود یا روسیه در چهارچوب راهبرد احاله مسئولیت تلاش نکند با سوق دادن ایران به تنش با آمریکا بخشی از انرژی و هزینه‌های بازدارندگی و موازنه‌سازی خود را به ایران محول کند.

دوم اینکه؛ وضعیت فعلی مهار و بازدارندگی و خروجی مثبت آن برای ایران پایدار نیست. چرخش‌ها در روابط روسیه و آمریکا ادامه دارد و ابعاد مثبت و منفی آن برای این دو کشور و متعاملین با آن‌ها از جمله ایران نیز تغییرات خواهد داشت. باید به این واقعیت توجه داشت که روسیه بنا به مزایای چندبعدی تعامل با آمریکا از یک سو و هزینه‌های تقابل با این کشور از سوی دیگر، متمایل به رابطه سازنده با آن است. اشاره شد که موضوع کلان‌ثبات راهبردی می‌تواند زمینه‌ای برای توافق آن‌ها باشد که دربرگیرنده پرونده هسته‌ای و موشکی ایران نیز هست. لذا در هر دو وضعیت ایران نباید جانب احتیاط را رها کند، از جمله در شرایط تشدید مهار و بازدارندگی از ورود غیرضرور به رقابت قدرت میان آمریکا و روسیه احتراز کند و در وضعیت کاهش اهمیت این دو راهبرد نیز مانع تبدیل شدن خود به موضوعی برای مصالحه شود.

نتیجه‌گیری

مهار و بازدارندگی از مؤلفه‌های پایدار در روابط روسیه و آمریکا هستند که در دوره پساشوروی با همان ماهیت دوره شوروی در متن نهادهایی چون رقابت قدرت (مفاهیم «استثناء‌گرایی» آمریکا و «قدرت بزرگ» روسیه)، ژئوپولیتیک (حوزه‌های نفوذ)، امنیت (مناطق حائل و عمق راهبردی) و فرهنگ سیاسی (امریکاستیزی و روسیه‌هراسی) در جریان هستند. هدف آمریکا از مهار روسیه تعیین مرز و محدودی کنترل‌شده برای آن است و به طرق مختلف از اعمال فشار برای تغییر رفتار یا نظام در روسیه تا تلاش برای تضعیف توانمندی‌های این کشور با استفاده از حربه تحریم، تقویت نظامی و تلاش برای بسط نفوذ خود و قبض روسیه در مناطق پیرامونی آن، تلاش برای ائتلاف‌سازی علیه روسیه و متقابلاً تضعیف رابطه مسکو با شرکاء آن و آسیب‌پذیر کردن امنیت و نوار حائل امنیتی-ژئوپولیتیکی پیرامون روسیه عملیاتی می‌شود.

در مقابل، مسکو راهبردها و تاکتیک‌های مختلفی را در برابر این اقدامات اولاً با هدف خنثی کردن آن‌ها و ثانیاً ارتقاء موقعیت خود به جایگاه یک قدرت بزرگ در قالب بازدارندگی فعال در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از تقویت نظامی و اقتصادی تا نهادسازی، محورسازی و ائتلاف‌سازی در عرصه خارجی در دستور دارد. تحولات سال‌های اخیر از جمله تقویت مؤلفه‌های داخلی و خارجی قدرت روسیه از یک سو و تضعیف هژمونی آمریکا از سوی دیگر معادله مهار و بازدارندگی را پیچیده‌تر کرده و طرفین مصالحه در باب مفاهیم کلانی چون ثبات راهبردی را به‌عنوان راهکاری برای کاهش هزینه‌ها در نظر دارند. در این بین، تأکید بر مهار و بازدارندگی نه تنها روابط روسیه و آمریکا، بلکه تعاملات آن‌ها با سایر نهادها و کشورها از جمله ایران را نیز متأثر کرده است. این تأثیر در زمان تشدید یا کاهش اهمیت سیاست مهار و بازدارندگی اثرات مختلفی بر ایران داشته است.

از جمله مهم‌ترین تأثیرات منفی در شرایط کاهش اهمیت این دو راهبرد می‌توان به احتمال تبدیل شدن ایران به موضوع توافق، تلاش آمریکا برای استفاده از روسیه برای فشار بیشتر بر ایران، همراهی مسکو با واشنگتن در این خصوص و حمایت مسکو از سطح کنترل شده‌ای از تنش در روابط تهران و واشنگتن اشاره کرد. تأثیرات مثبت این سناریو می‌تواند به شکل احتمال گسترده شدن فضا برای توسعه همکاری دو و

چندجانبه تهران و مسکو نمود داشته باشد. از جمله تأثیرات مثبت سناریوی اهمیت‌یابی مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و امریکا می‌توان به افزایش اهمیت ایران به‌عنوان یک نیروی ضدهژمون برای روسیه، کاهش احتمال مصالحه میان روسیه و امریکا، انتفاع مستقیم و غیرمستقیم ایران از سیاست بازدارندگی مسکو، ایجاد فضا برای توسعه همکاری‌های دو و چندجانبه ایران و روسیه، تقویت امنیت و ثبات منطقه‌ای و کاهش هزینه‌های بازدارندگی تهران اشاره کرد. احتمال بازی مسکو با کارت ایران برای مصالحه با امریکا، احتمال تلاش روسیه برای کاهش فشار سیاست مهار علیه خود از طریق احاله مسئولیت و هزینه‌های بازدارندگی به ایران و احتمال اخلال روسیه در تلاش‌های احتمالی برای بهبود یا تنش‌زدایی در روابط ایران با مجموعه غرب می‌تواند اثرات منفی این سناریو برای تهران باشد.

منابع

- ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، مسائل نظامی و استراتژی معاصر. انتشارات سمت.
- اسفندیاری، مهدی، حسنونند، مظفر و ایمان‌دار، زیبا (۱۳۹۵)، «بازدارندگی نوین در نظم و ساختار نوین نظام بین‌الملل (داده‌های نظری و یافته‌های تجربی)». فصلنامه علوم و فنون نظامی. ۱۲(۳۸): صص ۳۲-۵.
- نوری، علیرضا (بهار ۱۳۹۰)، «ایران و اصل «سازگاری» در سیاست خارجی روسیه در دوره مدویدیف»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ۷۳: صص ۱۷۱-۲۰۵.
- نوری، علیرضا (پاییز ۱۳۹۷)، «ایران و روسیه در جغرافیای سیاسی جدید غرب آسیا؛ مهار بی‌ثباتی و روندسازی»، فصلنامه امنیت پژوهی، ۱۷(۶۳): صص ۳۹-۶۷.
- نوری، علیرضا (بهار ۱۳۹۸)، «موازنه و ثبات دوسطحی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه؛ پیامدها بر امنیت و منافع ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی. ۸۳(۱): صص ۹۷-۷۳.
- Brodie, Bernard (1958), "The Anatomy of Deterrence". Research Memoranda. RM-2218. RAND Corporation.
- Colby, Elbridge (2013), "Defining Strategic Stability: Reconciling Stability and Deterrence" in Strategic Stability - Contending Interpretations by Elbridge A. Colby and Michael S. Gerson. U.S. Army War College Press.

- Foerster, Schuyler (August 2018), "Structural Change in Europe: Implications for Strategic Stability". The USAF Institute for National Security Studies (INSS). INSS Strategic Paper.
- Graham, Thomas E. (October 7, 2014), "The Dangers of a New Containment". Center for the National Interest. Available at: <https://nationalinterest.org/feature/the-dangers-new-containment-11419?page=0%2C1>
- Huth, Paul K. (1999), "Deterrence and International Conflict: Empirical Findings and Theoretical Debate". *Annual Review of Political Science*, 2: 25-48.
- Kennan, George F. (1947), "The Sources of Soviet Conduct". *Foreign Affairs Magazine*. 25(4): 566-582
- Mandelbaum, Michael (March/April 2019), "The New Containment; Handling Russia, China, and Iran". 98(2): 123-131.
- Noori, Alireza (May 21, 2019), "Can Iran rely on Russia to dodge US pressure?". *Al-Monitor*. Available at <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2019/05/iran-russia-nuclear-deal-jcpoa-trump-us-sanctions-oil.html>
- Nye, Joseph S. (September 3, 2014), "A Western Strategy for a Declining Russia". *project-syndicate*. Available at <http://www.project-syndicate.org/commentary/joseph-s--nye-wants-to-deter-russia-without-isolating-it>
- Platte, James E. and Robinson, Todd (2018), "Views of Strategic Stability and of Deterrence in the Asia Pacific". USAF Center for Strategic Deterrence Studies. Available at: https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/CSDS/assets/ay18_strategicdeterrenceresearchpapers.pdf
- "Pompeo Warns Eastern Europe on Chinese and Russian Meddling" (February 12, 2019), *U.S. News*. Available at: <https://www.usnews.com/news/world/articles/2019-02-12/pompeo-warns-eastern-europe-on-chinese-and-russian-meddling>
- Powell, Becky (2017), "The Origins of George F. Kennan's Theory of Containment: Stalin's Russia and the Failure of U.S. Foreign Policy". Rice University's History Department's Honors Senior Thesis. Available at: https://scholarship.rice.edu/bitstream/handle/1911/95204/BeckyPowell_Thesis-2017.pdf?sequence=1&isAllowed=y
- "Press conference by NATO Secretary General Jens Stoltenberg following the meeting of the North Atlantic Council at the level of Heads of State and Government (NATO Summit Brussels)" (July 11, 2018). The North Atlantic Treaty Organization official website. Available at: https://www.nato.int/cps/en/natohq/opinions_156733.htm?selectedLocale=en
- Rojansky, Matthew (2013) "Russia and Strategic Stability" in *Strategic Stability - Contending Interpretations* by Elbridge A. Colby and Michael S. Gerson. U.S. Army War College Press.
- Schelling, Thomas C. (1966) *Arms and Influence*. Yale University Press.

- Starr, C. Adam (2013) "The United States (Mis)Interpretation of Containment Theory". Foreign Policy Magazine. Available at <https://www.foreignpolicyjournal.com/2013/03/16/the-united-states-misinterpretation-of-containment-theory/view-all/>
- Toft, Peter (2005), "John J. Mearsheimer: An Offensive Realist Between Geopolitics and Power". Journal of International Relations and Development. 8(4): 381–408. 385
- "The National Security Strategy of the United States of America" (December 2017), THE WHITE HOUSE. Available at: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>
- "Trump asks US Congress to allocate \$500 mln to counter Russia's 'malign influence'" (March 11, 2019), TASS Russian News Agency. Available at: <https://tass.com/world/1048182>
- Vukadinović, Lidija Čehulić & Begović, Monika and Jušić, Luka (2017), "NATO in Europe: Between Weak European Allies and Strong Influence of Russian Federation". Croatian International Relations Review - CIRR. 23(80): 5-32.
- Walton, C. Dale & S. Gray, Colin (2013), "The Geopolitics of Strategic Stability: Looking Beyond Cold Warriors and Nuclear Weapons" in Strategic Stability - Contending Interpretations by Elbridge A. Colby and Michael S. Gerson. U.S. Army War College Press.
- Zagare, Frank C. (2004) "Reconciling Rationality with Deterrence: A Re-examination of the Logical Foundations of Deterrence Theory". Journal of Theoretical Politics. 16 (2): 107–141.
- Абаев, Лев (Сентября 13, 2016), "Ситуация в Сирии: экспертный взгляд". Российский институт стратегических исследований. Available at <http://riss.ru/analitics/33788/>، لِف اَبَايِف، وضعیت در سوریه، دیدگاه کارشناسی، سپتامبر ۲۰۱۶
- "Военная доктрина Российской Федерации" (Декабря 2015), Министерство иностранных дел Российской Федерации. Available at http://www.mid.ru/foreign_policy/official_documents/-/asset_publisher/CptICkV6BZ29/content/id/976907، دکترین نظامی روسیه، دسامبر ۲۰۱۵
- Иванов, Олег (2018) "Стратегии сдерживания в политике США". Журнал Обозреватель–Observer. 8 (343): 14-24. (اولگ ایوانوف، راهبرد بازدارندگی در سیاست آمریکا، ۲۰۱۸)
- "Концепция внешней политики Российской Федерации" (Ноября 30, 2016). Министерство иностранных дел Российской Федерации. Available at http://www.mid.ru/foreign_policy/official_documents/-/asset_publisher/CptICkV6BZ29/content/id/2542248 (مفهوم سیاست خارجی روسیه، نوامبر ۲۰۱۶)

- Лавров, Сергей (2007) "Сдерживание России: назад в будущее?". Журнал Россия в глобальной политике. No 4: 8-21. Шахалилов, Шамансур (Сентябрь 2016) "Мировой порядок: проблемы трансформации". Журнал Международная жизнь. №9: 112-129. (سرگئی لاوروف، بازدارندگی علیه روسیه؛ از گذشته تا آینده، ۲۰۰۷)
- Нестеров А. (2018) "Фактор НАТО в американской стратегии сдерживания России". Журнал Обозреватель–Observer. 12 (347): 44-55. (آ. نستروف، مؤلفه ناتو در راهبردی مهار امریکا علیه روسیه، ۲۰۱۸)
- Пархалина, Татьяна (2018) "Россия, США, НАТО. Стратегическое сдерживание или гибридный диалог?". Европейский диалог. Available at: <http://www.eedialog.org/ru/2018/12/07/rossiya-ssha-nato-strategicheskoe-sderzhivanie-ili-gibridnyj-dialog/> (تاتیانا پارخالینا، روسیه، امریکا، ناتو. بازدارندگی راهبردی یا گفتگوی هیبریدی، ۲۰۱۸)
- "Путин: РФ остается в лидерах по современному вооружению, несмотря на сокращение расходов" (Июня 22, 2019). ТАСС: Новости в России и мире. Available at: <https://tass.ru/armiya-i-opk/6572598> (پوتین؛ به رغم کاهش بودجه، روسیه پیشدار توسعه تسلیحات جدید باقی خواهد ماند، ۲۰۱۹)
- Рябков, Сергей (2014) "Стратегическое сдерживание — Важнейший элемент национальной безопасности россии". Индекс безопасности. 2(109), Том 20. сс. 27-33. (سرگئی ریابکوف، بازدارندگی راهبردی، عنصر مهم امنیت ملی روسیه، ۲۰۱۴)
- Самсонов, Александр (Марта 21, 2014) "Цель проекта «Украина» — разрушение русского мира". Русский мир. Украина. Available at <http://rusmir.info/pol/5203-cel-razrushenie-russkogo-mira.html> (الکساندر سامسونوف، هدف پروژه اوکراین، تخریب دنیای روسی، ۲۰۱۴)
- "Стратегия Национальной Безопасности Российской Федерации" (Декабря 31, 2015). Администрация Президента России. Available at <http://kremlin.ru/acts/bank/40391> (راهبرد امنیت ملی فدراسیون روسیه، دسامبر ۲۰۱۵)
- Фененко, Алексей (2009) "Трансформация сдерживания". Журнал «Россия в глобальной политике». Т.7, No 6. сс.77–99. (الکسی فننکو، تحول در بازدارندگی، ۲۰۰۹)
- Шахалилов, Шамансур (Сентябрь 2016) "Мировой порядок: проблемы трансформации". Журнал Международная жизнь. №9: 112-129. (شاه منصور شاه خلیلوف، نظم جهانی، مسائل تحول، سپتامبر ۲۰۱۶)